توحید

برای کودکان و نوجوانان

تألیف:

دکتر عبدالعزیز بن محمد عبداللطیف

ترجمه:

اسحاق دبیری

بسم الله الرحمن الرحیم

مقدمه مترجم

الحمد لله والصلاة علی رسول الله وآله وصحبه ومن والاه وبعد:

قبلاً کتابی بنام [خداشناسی برای خردسالان] تألیف کردیم، که مختصر بود، لذا بر آن شدیم تا کتاب حاضر را که شامل مطالب بیشتری است، ترجمه نماییم و در اختیارکودکان و نوجوانان فارسی زبان قرار دهیم تا بتوانند از آن، بهتر بهره ببرند، زیرا کودك و نوجوان اگر خدای خود را از روی علم و دانش بشناسد، در عبادت و تمسك به دین مبین اسلام، کوشاتر و استوارتر خواهد بود.

از خداوندمتعال مسئلت داریم آنرا بعنوان عملی خالص برای رضا و خشنودی خود بپذیرد، و ما را در دنیا و آخرت اجر و پاداش نیك عطا فرماید. آمین.

اسحق دبیری

لاَ إِلَهَ إِلاَّ الله.

هیچ معبود بحقی جز خَدای یکتا، وجود ندارد.

مُحَمَّدٌ رَّسُوْلُ الله.

محمد رسول و فرستاده خَداست.

رَبِّیَ الله.

معبود من خداست.

أَنَا أَعْبُدُ رَبِّی.

من خدا را میپرستم.

أَنَا أُحِبُّ رَبِّی.

من خدا را دوست دارم.

س۱ معبود تو کیست؟
ج: معبود من خداست.
س۲: چه کسی تو را آفریده است؟
ج: خداوند من و تمامی مردم را آفریده است.
س۳: چه کسی شب و روز و آفتاب و مهتاب را آفریده است؟
ج: خداوند شب و روز و آفتاب و مهتاب را آفریده است.
س٤: چه کسی زمینی که ما بر روی آن راه میرویم آفریده است؟
ج: خدا زمینی که ما بر روی آن راه می رویم آفریده است.
س٥: چه کسی دریاها را آفریده، و رودها را جاری کرده است؟
ج: خدا دریاها را آفریده و رودها را جاری کرده است.
س٦: چه کسی باران را از آسمان فرود می آورد؟
ج: خداوند، باران را از آسمان فرود می آورد.
س۷: چه کسی درختها را آفرید و میوه ها را از آن خارج نمود؟
ج: خداوند، درختان را آفرید و میوه ها را از آن خارج نمود.

❁ ❁ ❁ ❁

أَنَا أَعْبُدُ اللهَ.

من خدا را می پرستم.

أَنَا أُحِبُّ اللهَ.

من خدا را دوست دارم.

اللهُ خَلَقَ النَّاسَ لِعِبَادَتِهِ وَطَاعَتِهِ.

خداوند، مردم را برای عبادت و اطاعت از خود آفریده است.

عِبَادَةُ اللهِ وَطَاعَتُهُ وَاجِبَةٌ عَلَى جَمِيْعِ النَّاسِ.

عبادت خدا و طاعت او بر تمامی مردم، واجب است.

س۱: دین تو چیست؟

ج: دین من اسلام است.

س۲: اسلام یعنی چه؟

ج: اسلام یعنی یگانه پرستی و اطاعت از دستورات خدا و ترک مناهی او.

س۳: اساس اسلام چیست؟

ج: اساس آن گواهی دادن به اینکه هیچ معبود بحقی جز خدای یکتا وجود ندارد، و محمد ﷺ فرستاده اوست.

س٤: چرا وقتی اذان را می شنویم همه برای نماز برمی خیزیم.

ج: چون نماز، یکی از مهمترین ارکان اسلام است. و انسان، مسلمان نخواهد بود مگر با ادای نماز.

س۵: پیامبری که خدا او را بسوی ما فرستاد کیست؟

ج: محمد ﷺ پیامبری است که خدا او را بسوی ما فرستاد.

س٦: چرا خداوند، محمد ﷺ را بسوی تمامی مردم فرستاد؟

ج: خداوند او را فرستاد تا اینکه دین اسلام را به مردم بیاموزد.

س۷: محمد ﷺ به چه چیز دعوت می کند؟

ج: محمد ﷺ به عبادت خدای یکتا و ترک عبادت غیر خدا، دعوت می کند.

❁ ❁ ❁ ❁

رَضِيْتُ بِاللهِ رَبًّا وَبِالْإِسْلاَمِ دِيْنًا وَبِمُحَمَّدٍ ﷺ رَسُوْلاً وَنَبِيًّا.

به پروردگاری خدا، و دین اسلام، و پیامبری محمد ﷺ خشنودم.

بر ما واجب است که سه اصل و قاعده اسلام را بشناسیم: شناخت خداوند متعال، دین اسلام، و رسول الله ﷺ.

اصل و قاعده اول: شناخت خدا:

۱. معبود من خداوندی است که آفریننده و مالك و مدبر همه چیز است، چنانکه میفرماید: ﴿اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ﴾ [زمر:۶۲]

(خداوند آفریننده همه چیزهاست).

۲ . معبودم را با نشانه ها و دلایل و مخلوقات اش می شناسم، چنانکه می فرماید: ﴿مِنْ آيَاتِهِ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ﴾ [فصلت: ۳۷]

(و از جمله نشانه های خدا خلقت شب و روز و خورشید و ماه است).

۳ . خدا تنها معبود شایسته عبادت است، یکتاست و هیچ شریکی ندارد. چنان که می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمْ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾ [بقره: ۲۱]

(ای مردم! خدایی را بپرستید که آفریننده شما وآنانی است که پیش از شما بودند. باشد که پرهیزگار شوید).

س۱: چرا خداوند، تو را آفرید؟

ج: مرا آفرید تا او را عبادت کنم، همان طور که می فرماید: ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالإِنسَ إِلاَّ لِيَعْبُدُونِ﴾ [ذاریات:۵۶]

(جن انس را نیافریدم مگر اینکه مرا عبادت کنند).

س۲: عبادت او چیست؟

ج: عبادت او، یگانه (یکتا) دانستن وی و اطاعت از دستورات اوست.

س۳: لا إله إلا الله یعنی چه؟

ج: یعنی هیچ معبود بحقی جز خدای یکتا، وجود ندارد.

❁ ❁ ❁ ❁

اصل و قاعده دوم: شناخت دین:

۱ . اسلام یعنی: یگانه دانستن خدا، و طاعت دستورات وی، و ترک مناهی اوست، چنان که می فرماید: ﴿وَمَنْ أَحْسَنُ دِينًا مِمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ﴾ [نساء:۱۲۵]

(و کدام دین بهتر از آن است که مردم، خود را تسلیم حکم خدا نموده، - و سر زیر بار فرمان خدا آورند - و هم نیکوکار باشند).

۱ . اسلام دینی است که خدا به آن برای همه مردم، راضی و خشنود شده است، چنانکه می فرماید: ﴿وَرَضِيتُ لَكُمْ الإِسْلاَمَ دِينًا﴾ [مائده:۳]
(و بهترین آیین را که اسلام است، برایتان برگزیدم).

۳ . اسلام دین خیر و خوبی و سعادت و سرور است، خداوند می فرماید: ﴿بَلَى مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَلاَ خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلاَ هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ [بقره:۱۱۲]
(آری هر کسی که نیکوکارانه روی دل به سوی خدا نهد، او پاداش خود را نزد پروردگارش دارد. و نه می ترسند و نه اندوهگین می شوند).
س۱: اسلام چند رکن دارد و کدامند؟
ج: ارکان اسلام پنج تا است که عبارتند از:
۱ . گواهی دادن به این که معبود بحقی جز خدای یکتا وجود ندارد، و محمد ﷺ فرستاده اوست.
۲ . اقامه نماز.
۳ . پرداخت زکات.
٤ . روزه ماه (مبارك) رمضان.
٥ . حج خانه خدا، به شرط استطاعت.

اصل و قاعده سوم: شناخت پیامبر ﷺ :

۱ . پیامبر من محمد بن عبدالله ﷺ است.
۲ . خداوند، محمد ﷺ را به سوی تمامی مردم فرستاده تا دین اسلام را به آنها بیاموزد.
۳ . طاعت از پیامبر ﷺ بر من واجب است، خداوند می فرماید:
﴿وَمَا آتَاكُمْ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا﴾ [حشر:۷]
(آنچه را که رسول به شما داد، بگیرید و از آنچه که نهی کرد، باز آیید).

❁ ❁ ❁ ❁

اصول عقیده ما سه چیز است:

شناخت خدا، دین و پیامبر.

اصل اول: شناخت خداوند سبحان:

۱. خدایی ما خالق آسمان ها و زمین است، چنان که می فرماید:

﴿إِنَّ رَبَّكُمْ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضَ﴾ [أعراف:۵۴]

(پروردگار شما خدایی است که آسمان ها و زمین را آفرید).

۲. خداوند، انسان را خلق کرد، و او را در چهره ای خوب آفرید، و می فرماید:

﴿لَقَدْ خَلَقْنَا الإِنسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ﴾ [التین:آیة ۴].

[ما انسان را در بهترین رخسار آفریدیم].

۳. خداوند، مدبر همه چیزهاست،و می فرماید: ﴿يُدَبِّرُ الأَمْرَ مِنْ السَّمَاءِ إِلَى الأَرْضِ﴾ [سجده:۵]

(خدا، امور جهان را به بهترین و کاملترین نظم از آسمانها به زمین، تدبیر میکند).

٤. خداوند، جن و انس را آفرید تا او را عبادت کنند، همان طوری که می فرماید: ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالإِنسَ إِلاَّ لِيَعْبُدُونِي﴾[ذاریات:۵۶]

(جن و انس را نیافریدم مگر برای عبادت خود).

۵. خداوند به ما امر کرد تا به طاغوت کفر ورزیم، و به او (خدا) ایمان آوریم، و می فرماید: ﴿فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى﴾ [بقره:۲۵۶]

(پس هر کس از راه کفر - و سرکشی - برگردد، و به راه ایمان (و پرستش) خدا روی آورد، به رشته محکم (و استواری) چنگ زده است).

۱ . عروه الوثقی ریسمان ناگسستنی، لا إله إلاّ الله است، یعنی: هیچ معبود بحقی جز خدای یکتا وجود ندارد.

❁ ❁ ❁ ❁

اصل وقاعده دوم: شناخت دین اسلام:

۱ . دین ما اسلام است. و خداوند، غیر از آن از هیچ کس دین دیگری را نمی پذیرد. چنانکه می فرماید: ﴿وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الإِسْلاَمِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ﴾ [آل عمران:۸۵]

(هر کس غیر از اسلام دینی دیگر اختیار کند، (هرگز) از وی پذیرفته نمی شود).

۲ . مراتب دین اسلام سه چیز است:

اسلام، ایمان، احسان(نیکی).

۳ . اسلام یعنی: تسلیم خداوند یگانه شدن، و به طاعت او گردن نهادن، و دوری از شرك و متعلقات آن.

٤ . ایمان: باور داشتن خدا و فرشتگان خدا و کتابهای خدا و پیامبران خدا و روز آخرت و قضا و قدر و خیر و شر آن.

٥ . احسان: پرستش خدا چنان که او را می بینی، و اگر تو او را نمی بینی یقین بدار که او تو را می بیند.

❁ ❁ ❁ ❁

اصل و قاعده سوم: شناخت پیامبر ما محمدﷺ ؛ :

۱ . او محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب الهاشمی القرشی بهترین پیامبران و خاتم انبیاست.

۲ . پیامبر ما این دین را به ما رساند و ما را به انجام هر کار نیک امر فرمود، و از هر شر و بدی، باز داشت.
۳ . پیروی از پیامبر اکرم ﷺ و اتباع وی بر ما واجب است، خداوند می فرماید: ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ﴾ [أحزاب:۲۱]
(به راستی برای شما – مسلمانان – رسول خدا ﷺ سرمشقی نیکوست).
٤ . مقدم داشتن محبت پیامبر بر محبت مادران و پدران و تمامی مردم. چنانکه رسول الله ﷺ می فرماید: ((لاَ يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّى أَكُوْنَ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ وَالِدِهِ وَوَلَدِهِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِيْنَ)). بخاری و مسلم.
ایمان هیچ یك از شما کامل نمی شود مگر اینکه من نزد او از پدر و فرزند و تمامی مردم، محبوبتر باشم.
پس محبت او در واقع، پیروی از ایشان و انجام فرامین آنحضرت ﷺ می باشد.
أَشْهَدُ أَنْ لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللهُ.
گواهی می دهم که خدای بحقی جز خدای یکتا، وجود ندارد.
وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللهِ.
و گواهی می دهم که محمد ﷺ فرستاده خداست.
۱ . معنای شهادت أن لا إله إلا الله: معبود بحقی جز خدای یکتا، وجود ندارد.
۲ . عبادت: عبادت شامل تمام سخنان و کارهایی است که خداوند، آن ها را دوست دارد.
۳ . عبادت، انواع زیادی دارد که بعضی از آن عبارتند از:
دعا، ترس، توکل، نماز، ذکر، خدمت به پدر و مادر و...
دلیل دعا: خداوند می فرماید: ﴿وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ﴾ [غافر:۶۰]
(پروردگارتان گفت: مرا – به دعا – بخوانید تا براتان اجابت کنم، آنان که از عبادت من کبر می ورزند با خواری به جهنم در می آیند).

دلیل ترس: خداوند می فرماید: ﴿فَلاَ تَخَافُوهُمْ وَخَافُونِی إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ [آل عمران:۱۷۵]

(پس اگر مؤمن هستید از آنان – شیاطین - نترسید - بلکه – از من بترسید].

دلیل توکل: خداوند می فرماید: ﴿قَالَ رَجُلاَنِ مِنْ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمَا ادْخُلُوا عَلَيْهِمْ الْبَابَ فَإِذَا دَخَلْتُمُوهُ فَإِنَّكُمْ غَالِبُونَ وَعَلَى اللَّهِ فَتَوَكَّلُوا إِنْ كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ [مائده:۲۳]

(و اگر مؤمن هستید (باید که) بر خدا توکل کنید).

دلیل نماز: خداوند می فرماید: ﴿مُنِيبِينَ إِلَيْهِ وَاتَّقُوهُ وَأَقِيمُوا الصَّلاَةَ وَلاَ تَكُونُوا مِنْ الْمُشْرِكِينَ﴾ [روم:۳۱]

(و نماز بگزارید و از مشرکان نباشید).

دلیل ذکر: خداوند می فرماید: ﴿يَاأَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيراً﴾[أحزاب:٤١]

(ای مؤمنان، خداوند را به یاد کردن بسیار، یاد (و ذکر) کنید).

و دلیل فرمانبرداری از پدر و مادر: خداوند می فرماید: ﴿وَ وَصَّيْنَا الإِنسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا﴾[أحقاف:۱۵]

(و به انسان در باره پدر و مادرش به نیکوکاری سفارش کرده ایم).

٤ . تمام عبادات، برای خدا انجام میگیرد. پس اگر کسی عبادتی را برای غیر خدا، انجام دهد، کافر است. خداوند می فرماید: ﴿وَمَنْ يَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لاَ بُرْهَانَ لَهُ بِهِ فَإِنَّمَا حِسَابُهُ عِنْدَ رَبِّهِ إِنَّهُ لاَ يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ﴾[مؤمنون:۱۱۷]

(و هر کس با خداوند معبود دیگری را (به نیایش) بخواند که هیچ دلیلی به (حقانیت) آن ندارد، جز این نیست که حسابش نزد پروردگارش است، بی گمان کافران رستگار نمیشوند).

۵ . خداوند جن و انس را آفرید تا فقط او را پرستش کند، چنان که می فرماید:

﴿مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالإِنسَ إِلاَّ لِيَعْبُدُونِ﴾

(جن و انس را نیافریدم مگر برای آنکه مرا بندگی کنند).

٦ . کسی که فقط خدا را پرستش کند به سعادتی عظیم و شادمانی بزرگ و زندگی خوبی دست خواهد یافت. خداوند می فرماید: ﴿مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهُ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ [نحل:۹۷]

(هر کس چه مرد و چه زن کار شایسته ای انجام دهد و مومن باشد به او زندگی پاکیزه و خوشایندی عطا می کنیم).

۱ . معنای شهادت أنَّ محمداً رسول الله: تصدیق او درباره آنچه به ما خبر داده، و طاعت او در آنچه امر فرموده، و اجتناب از آنچه نهی کرده، و این که خدا پرستش نشود مگر به شیوه ای که شریعت، تعین نموده است.

۲ . نام پیامبر ما: محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب الهاشمی القرشی است، که بهترین نسب، در میان عرب می باشد.

۳ . خداوند، محمد ﷺ را برای همه مردم فرستاده و اطاعت اش را بر همه، واجب نموده است. چنانکه می فرماید: ﴿قُلْ يَاأَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا﴾ [أعراف:۱۵۸]

(بگو ای مردم! من فرستاده خداوند به سوی همه شما هستم).

٤ . پیامبرﷺ ، نخست در مکة مکرمه زندگی کرد و مردم را به توحید و پرستش خدای یکتا دعوت نمود. سپس به مدینة منوره هجرت نمود و به انجام بقیه احکام دین اسلام مانند زکات و روزه و جهاد و غیره امر فرمود. و سرانجام، در مدینه در سن ٦٣ سالگی دار فانی را وداع گفت.

۵ . هر کس که با اوامر پیامبر اکرم ﷺ مخالفت کند، مستحق عذاب شدید می گردد، خداوند می فرماید: ﴿فَلْيَحْذَرْ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ [نور:٦٣]

(پس باید آنان که بر خلاف فرمان او رفتار می کنند بر حذر باشند که بلایی به آنان برسد، یا عذابی دردناك گریبان گیرشان شود).

٦ . هر کس که از پیامبر خدا ﷺ اطاعت کند، سعادت کامل و پیروزی بزرگی نصیب اش خواهد شد. خداوند میفرماید: ﴿وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾ [آل عمران:۱۳۲]

(و از خداوند و رسول - او - فرمان برید، باشد که مشمول رحمت قرار گیرید).

و هم چنین می فرماید: ﴿وَإِنْ تُطِيعُوهُ تَهْتَدُوا﴾ [نور:٥٤]

(و اگر از او فرمان برید، راه خواهید یافت).

❁ ❁ ❁ ❁

انواع توحید:

تعریف توحید:

یکتا دانستن خدا در ربوبیت و الوهیت و کامل بودن اسماء و صفات خدا را توحید گویند.

اقسام توحید: توحید سه نوع است:

توحید ربوبیت، توحید الوهیت، توحید اسماء و صفات.

۱ . توحید ربوبیت: عبارت است از توحید افعال خدا: یعنی معتقد بودن به این که همه چیز مانند: آفریدن، روزی دادن، تدبیر امور، زنده کردن، میراندن، و مانند آن از جانب خداست.

و هیچ آفریننده ایی جز خدا، وجود ندارد. چنان که می فرماید: ﴿اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ﴾ [زمر:٦٢]
(خداوند، آفریننده همه چیز است).

و روزی دهنده ایی نیست مگر خدا، همان طور که می فرماید: ﴿وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الأَرْضِ إِلاَّ عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا﴾ [هود:٦]
(و هیچ جنبنده ایی در زمین نیست مگر آن که روزی اش بر - عهده- خداوند است).

و هیچ کس امور خلایق را تدبیر نمی کند مگر خدا، و می فرماید: ﴿يُدَبِّرُ الأَمْرَ مِنْ السَّمَاءِ إِلَى الأَرْضِ﴾ [سجده:٥]
(کار (هستی) را از آسمان (گرفته) تا زمین تدبیر می کند).

و هیچ کس زنده نمی کند، و نمی میراند مگر خدا، چنان که می فرماید:﴿ هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾ [یونس:٥٦]
(او زنده می کند و می میراند، و به سوی او بازگردانده می شوید).
کفار قریش، در زمان رسول الله ﷺ به این نوع توحید، اعتراف کردند. ولی اعترافشان آنها را مشرف به دین اسلام نکرد، چنان که خداوند می فرماید: ﴿وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ قُلْ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لاَ يَعْلَمُونَ﴾ [لقمان:٢٥]
(و اگر از آنان بپرسی چه کسی آسمان ها و زمین را آفرید،به یقین گویند: خداوند).
٢ . توحید الوهیت: عبارت است از توحید افعال و اعمال بندگان خدا در آنچه که به آن امر شده اند، یعنی تمامی عباداتی که بندگان انجام می دهند برای خداوند یکتاست که شریکی ندارد، مانند: دعا، ترس، توکل، یاری، مدد و ...

پس فقط او را می خوانیم. چنانکه می فرماید: ﴿وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ﴾ [غافر:٦٠]

(و پروردگارتان گفت: مرا (به دعا) بخوانید تا برایتان اجابت کنم).

و فقط از خدا می ترسیم. همان طور که می فرماید: ﴿فَلاَ تَخَافُوهُمْ وَخَافُونِي إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِين﴾ [آل عمران:١٧٥]

(پس اگر ایمان دارید، از آنان – اولیای شیطان – نترسید – بلکه– از من بترسید).

و فقط بر خدا توکل می کنیم، و خدا می فرماید: ﴿وَعَلَى اللَّهِ فَتَوَكَّلُوا إِنْ كُنتُمْ مُؤْمِنِين﴾ [مائده:٢٣]

(و اگر مؤمن هستید – باید که – بر خدا توکل کنید).

فقط از خدا یاری می طلبیم، چنانکه می فرماید:﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِين﴾ [فاتحه:٥]

(تنها تو را بندگی می کنیم، و تنها از تو یاری می جوییم).

و فقط به خدا پناه می بریم، چنانکه می فرماید:﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاس﴾ [ناس:١]

(بگو: به پروردگار مردم، پناه می برم).

این، توحیدی است که پیامبران آورده اند، خداوند می فرماید: ﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولاً أَنْ اُعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ﴾ [نحل:٣٦]

(به یقین در – میان – هر امتی رسولی برانگیختیم، – با این دعوت – که: خداوند را بندگی کنید و از طاغوت بپرهیزید).

و این همان توحیدی است که کفار، درگذشته آن را انکار کرده اند و اکنون نیز آن را انکار می کنند. خداوند متعال از زبان مشرکین می فرماید:﴿أَجَعَلَ الآلِهَةَ إِلَهًاوَاحِدًا إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عُجَابٌ﴾ [ص:٥]

(آیا – همه – معبودان را یک معبود قرار داده است؟ بی گمان این چیزی شگفت است).

۳ . توحید اسماء و صفات: ایمان آوردن به اسماء و صفاتی که خداوند، خودش را با آنها وصف نموده و یا رسول الله ﷺ او را توصیف نموده و در قرآن کریم و سنت صحیح نبی اکرم ﷺ آمده اند. و شایان ذکر است که خداوند، نامهای زیادی داردکه بعضی از آن ها عبارتند از: بخشنده، شنوا، بینا، عزیز، حکیم (دارای حکمت) و ... خداوند می فرماید: ﴿لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ البَصِيرِ﴾ [شوری:۱۱]

(چیزی مانند او نیست، و او شنوا و بیناست).

❁ ❁ ❁ ❁

صفات رستگاران:

خداوند می فرماید: ﴿وَالْعَصْرِ ❁ إِنَّ الإِنسَانَ لَفِي خُسْرٍ ❁ إِلاَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ﴾ [عصر:۱-۳]

(سوگند به زمان، که انسان در زیانکاری است، مگر آنان که ایمان آورده و کردار شایسته کرده اند و همدیگر را به حق سفارش، و همدیگر را به شکیبایی توصیه کرده اند).

خداوند به زمان، سوگند یاد کرده که انسان در زیان و هلاکت است، مگر کسی که چهار صفت، داشته باشد:

۱ . ایمان: شناخت خدا و پیامبر خدا و دین اسلام را ایمان گویند.

۲ . عمل صالح: مانند نماز، روزه ،زکات، راستگویی و نیکی به پدر و مادر.

۳ . سفارش به حق: یعنی دعوت به سوی ایمان و عمل صالح و تشویق به آن.

٤ . سفارش به صبر: یعنی دعوت به صبر و شکیبایی بر طاعت. و صبر هنگام مصیبت.

آنچه با توحید، منافات دارد.

۱ . اولین چیزی که خداوند بر بندگانش واجب کرد، ایمان به خدا و کفر به طاغوت است، خداوند می فرماید: ﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِی کُلِّ أُمَّةٍ رَسُولاً أَنْ اُعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ﴾ [نحل:٣٦]

(به یقین در - میان - هر امتی رسولی برانگیختیم، - با این دعوت - که: خداوند را بندگی کنید و از طاغوت بپرهیزید).

۲ . معنای طاغوت: هر چیز یا کسی که به غیر از خدا شود، و به آن عبادت، راضی باشد،طاغوت نام دارد.

۳ . چگونگی کفر به طاغوت: باطل دانستن عبادت غیر خدا، ترک آن و بغض ورزیدن به آن، و کافر دانستن. کسی که چنین اعمالی انجام دهد و دشمنی کردن با او.

٤ . شرك، ضد توحید است: پس توحید به این معنی است که تنها خدا را عبادت کنیم، و شرك این است که یکی از عبادتها برای غیر خدا انجام گیرد. مانند اینکه از غیر خدا بخواهد یا غیر خدا را سجده کند.

٥ . شرك، بزرگترین و عظیم ترین گناه است، خداوند می فرماید:﴿إِنَّ اللَّهَ لاَ یَغْفِرُ أَنْ یُشْرَکَ بِهِ وَیَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِکَ لِمَنْ یَشَاء﴾ [نساء:١١٦]

(خداوند نمی بخشد که به او شرك آورده شود، و جز آن - شرك - را برای هرکس که بخواهد، می آمرزد).

باید دانست که شرك، تمامی طاعات را باطل می سازد و موجب جاوید ماندن در دوزخ و عدم ورود به بهشت می گردد. چنانکه خداوند متعال می فرماید:

﴿وَلَوْ أَشْرَكُوا لَحَبِطَ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ [أنعام:۸۸]

(و اگر شرك می ورزیدند، آنچه را که کرده بودند، از - نامه اعمال - آنان زدوده می شد).

و در جایی دیگر می فرماید:﴿إِنَّهُ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنصَارٍ﴾ [مائده:۷۲]

(بی گمان، کسی که به خداوند، شرك ورزد، خداوند بهشت را بر او حرام می گرداند و جایگاهش در آتش است).

٦ . کفر، با توحید منافات دارد. پس کفر، سخنان و کارهایی است که انجام دهنده اش را از دایرة توحید و ایمان، خارج می کند.

مانند مسخره کردن خدا، آیات قرآن و رسول خدا ﷺ . چنانکه حق تعالی می فرماید: ﴿قُلْ أَبِاللَّهِ وَآيَاتِهِ وَرَسُولِهِ كُنتُمْ تَسْتَهْزِئُونَ ۞ لاَ تَعْتَذِرُوا قَدْ كَفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ﴾ [توبه: ٦٥،٦٦]

(بگو: آیا به خدا، و آیات او، و رسولش ریشخند می کردید؟ عذر نیاورید، به راستی که پس از ایمان آوردن، کافر شدید).

۷ . نفاق، با توحید، منافات دارد. نفاق یعنی اظهار توحید و ایمان نزد مردم، و پنهان ساختن شرك و کفر، در دل می باشند. مانند این که کسی با زبان اش ایمان بیاورد ولی کفر را در دلش پنهان سازد.

چنانکه خداوند متعال می فرماید: ﴿وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ ءَامَنَّا بِاللهِ وَ بِالْيَوْمِ الآخِرِ وَ مَاهُمْ بِمُؤْمِنِينَ﴾ [بقره:۸]

(و از مردم کسانی هستند که می گویند: به خدا و به روز قیامت، ایمان آورده ایم، حال آن که مؤمن نیستند).

یعنی با زبانشان می گویند ما به خدا ایمان آوردیم، ولی در دل خود، مؤمن نیستند.

ایمان به آخرت

معنای ایمان به آخرت: یعنی اینکه وقوع روز قیامت را حتمی بداند و ایمان راسخ داشته باشد که مردم از قبرهایشان، حشر خواهند شد . و به خاطر اعمالی که انجام داده اند، محاسبه و مجازات خواهند گردید و سرانجام بهشتیان به بهشت و دوزخیان به دوزخ خواهند رفت.

همچنین باید دانست که ایمان به آخرت، یکی از ارکان ایمان است که بدون آن، ایمان شخص کامل نمی شود.

ایمان به آخرت، شامل سه چیز می شود:

۱ . ایمان به برانگیخته شدن پس از مرگ:

روز قیامت، روح ها به اجسادشان بر می گردند و مرده ها از قبر ها برمی خیزند و مردم در پیشگاه پروردگارشان، حاضر می کنند. سپس آنها را که پا برهنه و عریان و ختنه نشده اند، یك جا جمع می بینند.

زیرا خداوند می فرماید: ﴿ثُمَّ إِنَّكُمْ بَعْدَ ذَلِكَ لَمَيِّتُونَ ۞ ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تُبْعَثُونَ﴾ [مؤمنون:۱۵-۱۶]

(سپس شما پس از این خواهید مرد، آنگاه قطعاً در روز قیامت برانگیخته خواهید شد).

همچنین رسول خدا ﷺ می فرماید: ﴿يحشرُ النَّاسُ يَوْمَ القِيَامَةِ حُفَاةً عُرَاةً غُرْلاً﴾ متفق علیه.

روز قیامت، مردم در حالی که پابرهنه و عریان و ختنه نشده اند حشر می گردند.

۲ . ایمان به ترازوی اعمال و محاسبه شدن:

خداوند، مردم را طبق اعمالی که در دنیا انجام داده اند محاسبه می کند، پس هر کس که اهل توحید بوده و از خدا و رسولش اطاعت کرده است، محاسبه اش آسان خواهد بود.

و هر کس که اهل شرك و معصیت بوده، حسابش دشوار خواهد بود.

اعمال انسان در ترازوی عظیمی وزن می شوند. نیکی ها در یك کفه ترازو، و گناهان در کفه دیگر آن گذاشته می شوند. پس هر کس که نیکی هایش از گناهانش بیشتر باشد به بهشت می رود. و هر کس که گناهانش از نیکی هایش بیشتر باشد، به

جهنم می رود. در مورد محاسبه اعمال، خداوند متعال می فرماید: ﴿فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ ۞ فَسَوْفَ يُحَاسَبُ حِسَابًا يَسِيراً ۞ وَيَنقَلِبُ إِلَى أَهْلِهِ مَسْرُورًا ۞ وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ وَرَاءَ ظَهْرِهِ ۞ فَسَوْفَ يَدْعُو ثُبُورًا ۞ وَيَصْلَى سَعِيراً﴾ [انشقاق:۷-۱۲]

(اما کسی که نامه اعمال او به دست راستش داده شود، به آسانی، محاسبه می شود و شادمان به سوی خانواده اش برمی گردد. و اما کسی که نامه اعمال اش از پشت سر، به او داده شود، طلب هلاکت می کند و به دوزخ در می آید).

و در مورد ترازوی اعمال، خداوند متعال می فرماید: ﴿وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلاَ تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكَفَى بِنَا حَاسِبِينَ﴾ [أنبياء: ٤٧]

(وَ در روز قیامت، ترازوهای عدالت را در میان می نهیم. به هیچ کس ستمی نمی شود. و اگر - عمل نیك و یا بدی - به اندازه دانه خردل داشته باشد، به حساب می آوریم، و ما حسابرسی می کنیم).

۳ . بهشت و دوزخ:

بهشت، منزلگاه دائمی است که خداوند آن را برای مومنان مطیع و متقی خدا و رسول مهیا ساخته است. در آن، تمامی نعمت های دائمی اعم از خوردنی، نوشیدنی، پوشیدنی و همه دوست داشتنی های دیگر وجود دارد.

دوزخ هم جایگاه عذاب همیشگی است، خداوند آن را برای کسانی که به خدا، کفر ورزیدند و از رسولش نافرمانی کردند آماده کرده است. در آن، انواع عذاب و درد و عقوبت که به فکر، خطور نمی کند وجود دارد.

خداوند در مورد بهشت، می فرماید:﴿وَسَارِعُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ﴾ [آل‌عمران:۱۳۳]

(وَ به سوی آمرزشی از - جانب - پروردگارتان و بهشتی که پهنایش - هم چون - آسمان ها و زمین است و برای پرهیزگاران فراهم شده است، بشتابید).

هم چنین می فرماید:﴿فَلاَ تَعْلَمُ نَفْسٌ مَا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ [سجده:۱۷]

(پس هیچ کس نمی داند که از آنچه ها به روشنی چشم است، چه چیزی برایشان نهان داشته شده است، به (پاس) آنچه می کردند (پاداش یافتند)).

و در مورد دوزخ، می فرماید:﴿فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ﴾ [بقره:۲٤]

(پس از آتشی بپرهیزید که هیزمش مردم و سنگها خواهند بود. و برای کافران آماده شده است).

و هم چنین می فرماید:﴿إِنَّ لَدَيْنَا أَنكَالاً وَجَحِيمًا ۞ وَطَعَامًا ذَا غُصَّةٍ وَعَذَابًا أَلِيمًا﴾ [مزمل:۱۲-۱۳]

(بی گمان نزد ما غل و زنجیر و عذاب و آتش سوزان دوزخ است و همچنین و خوراکی گلوگیر و عذابی دردناك وجود دارد).

پروردگارا! ما خواهان بهشتیم و سخنان و اعمالی می طلبیم که ما را به آن نزدیك کند. و از دوزخ و سخنان و اعمالی که ما را به آن نزدیك کند، به تو پناه می بریم.

مقدمه ای پیرامون عقیده اسلامی و اهمیت آن.

دین اسلام، عقیده و شریعت است.

اما عقیده: منظور امووری است که نفس، آن را تصدیق می کند و قلب، به آن اطمینان دارد و برای صاحبانش (مومنان) امووری یقینی است که هیچ شك و تردیدی در آنها وجود ندارد.

و اما شریعت: تکالیف عملی مانند: نماز، زکات، روزه، نیکی به پدر و مادر و... است که اسلام ما را به سوی آنها فرا می خواند.

پایه های عقیده اسلامی عبارتند از: ایمان به خدا، و فرشتگان و کتاب های خدا، و پیامبران خدا و آخرت و ایمان به قضا و قدر و خیر و شر آن.

و دلیل اش این است که خداوند می فرماید:﴿لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الآخِرِ وَالْمَلاَئِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ﴾ [بقره:۱۷۷]

(این که چهره هایتان را به سوی مشرق و مغرب کنید، نیکی نیست، بلکه نیکوکار کسی است که به خدا و روز قیامت و فرشتگان و کتاب و پیامبران ایمان بیاورد).

و دلیل بر قضا و قدر، خداوند می فرماید: ﴿إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ ۞ وَمَا أَمْرُنَا إِلاَّ وَاحِدَةٌ كَلَمْحٍ بِالْبَصَرِ﴾ [قمر:٤٩-٥٠]

(بگمان ما هر چیزی را به اندازه لازم و از روی حساب آفریده ایم. فقط یکی است که در یك چشم بهم زدن تحقق می یابد.).

و رسول اکرم ﷺ میفرماید: «الإِيْمَانُ أَنْ تُؤْمِنَ بِاللهِ وَمَلاَئِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الآخِرِ وَتُؤْمِنَ بِالْقَدَرِ خَيْرِهِ وَشَرِّهِ» مسلم.

ایمان یعنی این که: خدا و فرشتگان خدا و کتاب ها و فرستادگان خدا و روز قیامت و سرنوشت وخیر و شر آن را باور داشته باشی.

اهمیت عقیده اسلامی

اهمیت عقیده اسلامی از انجام امور بسیاری آشکار می شود که بعضی از آن ها عبارتند از:

۱ . نیاز ما به این عقیده، برتر از هر نیاز دیگری است، و ضرورت ما به این عقیده، برتر از هر ضرورت دیگری است. زیرا هیچ سعادت و نعمت و سروری برای قلبها وجود ندارد مگر به پرستش خدا و آفریننده دلها.

۲ . بزرگترین و مهمترین فریضه، عقیده اسلامی است. بدین جهت، اولین چیزی است که از مردم، مطالبه می شود. چنان که رسول خدا ﷺ می فرماید: ((أُمِرْتُ أَنْ أُقَاتِلَ النَّاسَ حَتّى يَشْهَدُوا أَنْ لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللهَ وَأَنَّ مُحَمَّداً رَسُولُ اللهِ)). متفق علیه.

به من دستور داده شده است که با مردم بجنگم تا این که گواهی دهند هیچ معبود بحقی جز خدای یکتا وجود ندارد و محمد ﷺ فرستاده خداست.

۳ . عقیده اسلامی تنها عقیده ای که باعث ایجاد امنیت و استقرار و سعادت و شادکامی می گردد. چنان که خداوند متعال می فرماید: ﴿بَلَى مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَلاَ خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلاَ هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ [بقره:۱۱۲]

(آری، هر کس خالصانه رو به خدا کند، او پاداش خود را در نزد پروردگارش دارد، و نه بیمی بر آنان است، و نه آنان اندوهگین شوند).

چنان که عقیده اسلامی تنها عقیده ای است که عافیت و رفاه را محقق میسازد، خداوند می فرماید: ﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَرَكَاتٍ مِنْ السَّمَاءِ وَالأَرْضِ﴾ [أعراف:آية ۹٦]

(و اگر اهل (آن) شَهرها ایمان میآوردند و پروا داشتند، قطعاً از آسمان و زمین (در) برکت‌هایی را بر آنان میگشودیم).

٤ . عقیده اسلامی باعث رسیدن بحاکمیت و برپایی حکومت اسلامی می گردد.

خداوند می فرماید: ﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِي الصَّالِحُونَ﴾ [أنبياء:١٠٥]

(ما علاوه بر قرآن، در تمام کتب - انبیاء پیشین- نوشته ایم که بی گمان - سراسر روی - زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد).

❁ ❁ ❁ ❁

ایمان به خداوند عز وجل:

معنای ایمان به خدای عزوجل: گواهی راستین به وجود او و اقرار به ربوبیت و الوهیت و اسما و صفات اوست.

پس ایمان به خدا، متضمن چهار چیز است:

١ . ایمان به وجود خداوند سبحان.

٢ . ایمان به ربوبیت خداوند متعال .

٣ . ایمان به الوهیت خداوند متعال .

٤ . ایمان به اسما و صفات خداوند متعال .

اینك در مورد آنها بطور کامل، سخن می گوییم.

الف . ایمان به وجود خداوند متعال:

اقرار به وجود خداوند متعال، امری فطری است که کسی در مورد آن اختلاف نظر ندارد. و جز عده ای از ملحده (کفار بی دین) بیشتر مردم، به وجود خدا معترفند و مخالفتی ندارند.

و هر مخلوقی، فطرت خود را بدون هیچ آموزشی به خالق خود نسبت می دهد، و از سوی دیگر درخواست دعا و اجابت آن از سوی خدا، بطور یقین دلالت بر وجود خداوند متعال دارد، چنانکه می فرماید: ﴿إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُم﴾ [أنفال:٩]

(آنگاه که از پروردگارتان کمك می خواستید، پس - دعای - شما را پذیرفت).

ب . همگان می دانند که هر حادثه ای، آفریننده ای دارد. بنابراین تمام مخلوقات و آنچه که پیرامون ما مشاهده می شوند، باید خالقی داشته باشند که آن هم خداوند متعال است، زیرا ممکن نیست کسی یا چیزی آفریده شود ولی آفریدگاری نداشته باشد. زیرا هیچ کسی(یا چیزی) نمی تواند خودش را بیافریند.

خداوند می فرماید: ﴿أَمْ خُلِقُوا مِنْ غَيْرِ شَيْءٍ أَمْ هُمْ الْخَالِقُونَ﴾ [طور:۳۵]

آیا بدون آفریدگار، خلق شده اند؟ یا این که خود، آفریننده اند؟).

پس معنای آیه کریمه: یعنی بدون آفریننده، خلق نشده اند و خودشان هم خود را نیافریده اند، بوضوح روشن می سازد که آفریننده آنها خداوند تبارك و تعالی است .

ج . نظم و ترتیب حاکم بر جهان هستی، اعم از آسمان و زمین، ستارگان و... یقیناً دلالت می کند که این دنیا آفریننده ای دارد و آن هم خداوند پاك و منزه است، چنانکه می فرماید:﴿صُنْعَ اللَّهِ الَّذِي أَتْقَنَ كُلَّ شَيْءٍ إِنَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ﴾ [نمل:۸۸]

(آفرینش آن خدائی است که همه چیز را در کمال استواری پدید آورده است، بی گمان او از آنچه می کنید، باخبر است).

پس ملاحظه می فرمایید که این جهان با کهکشانهای فراوان که هر کدام، میلیونها ستاره دارد، بر اساس نظم خاصی در گردش است. به گونه ای که هیچ یك از آنها از مدار تعیین شده خود تجاوز نمی کند و به دیگری برخورد نمی نماید و از بین نمی رود. و هر یك در محل تعیین شده خود، انجام وظیفه می کند.

خداوند می فرماید:﴿ لاَ الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلاَ اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ﴾ [یس:٤٠]

(نه آفتاب را می رسد که ماه را دریابد، و نه شب پیشی گیرنده از روز است، و هر یك در آسمانی سیر می کنند).

۲ . ایمان به ربوبیت خدای تعالی:

ا . معنای ایمان به ربوبیت خدای تعالی: اقرار به این که خدا، رب و معبود همه چیز و مالك و آفریننده و رازق آن است، و اوست که زنده می کند، و می میراند، و اوست که نفع و زیان می رساند، و تمامی کارها برای اوست، و خیر در دست اوست، و بر همه چیز، قادر و تواناست، و در همه موارد فوق، شریکی ندارد.

ایمان به ربوبیت خدا، یعنی تصدیق قطعی به اینکه او پروردگار یکتا است که هیچ شریکی ندارد و عبادت، مخصوص اوست و به تنهایی همه کارهایش را انجام می دهد و همچنین ایمان به ربوبیت یعنی اعتقاد به اینکه او تنها خالق همه موجودات عالم هستی می باشد. چنانکه می فرماید: ﴿اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ﴾ [زمر:٦٢]

(خداوند آفریننده همه چیز است).

و نیز تنها اوست که به همه موجودات روزی می دهد. چنانکه می فرماید:

﴿وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الأَرْضِ إِلاَّ عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا﴾

[هود:٦].

(و هیچ جنبنده ای در زمین نیست مگر آن که روزی اش بر - عهده- خداوند است).

و او مالك همه چیزهاست، همان طور که می فرماید: ﴿لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضِ وَمَا فِيهِنَّ﴾ [مائده:١٢٠]

(فرمانروایی آسمان ها و زمین و آنچه در میان آنهاست از آن خداوند است).

ب. خداوند بکتایی خود در ربوبیت بر تمامی موجودات را در قرآن، بیان داشته و فرموده است: ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ [فاتحه:٢]

(تمامی ستایش از آن خداست، که پروردگار جهانیان می باشد).

رب العالمین: یعنی خالق، مالك، هدایت کننده و پرورش دهنده آنها با انواع نعمتها است.

ج. خداوند، ایمان به ربوبیت خود را در فطرت انسانها بودیعه نهاده است، حتی مشرکین عرب در زمان پیامبر اکرم ﷺ دارای چنین اعتقادی بودند. چنانکه خداوند می فرماید: ﴿قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَرَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ ۞ سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَفَلاَ تَتَّقُونَ ۞ قُلْ مَنْ بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ يُجِيرُ وَلاَ يُجَارُ عَلَيْهِ إِنْ كُنتُمْ تَعْلَمُونَ ۞ سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ فَأَنَّا تُسْحَرُونَ﴾

[مؤمنون:٨٦-٨٩]

(بگو: پروردگار آسمان های هفتگانه، و پروردگار عرش بزرگ چه کسی است؟ خواهند گفت: - همه - از آن خداوند هستند، بگو: پس چرا پرهیزگاری نمی کنید؟ بگو: چه کسی است که ملکوت هر چیز به دست اوست، و او پناه می دهد و کسی

را – نمی توان – از عذاب او پناه داد. اگر می دانید – بگویید – ، خواهند گفت:– همه آنها – از آن خداوند است، بگو: پس ازکجا فریب داده می شوید؟)[1].

گفتنی است که تنها ایمان به ربوبیت خدا برای مسلمان بودن کافی نیست، بلکه باید به الوهیت خدا نیز ایمان آورد. زیرا رسول خدا ﷺ با مشرکینی که اعتقاد به ربوبیت خدا داشتند جنگید (تا به الوهیت خدا نیز ایمان بیاورند).

د . همه موجودات جهان هستی از آسمان گرفته تا زمین، کهکشانها، ستارگان و درختان، انسانها، جن ها و... همه مطیع و فرمانبردار خدایند، چنان که می فرماید:﴿وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ﴾ [آل عمران:۸۳]

(آنان که در آسمان ها و زمین اند، خواه ناخواه فرمانبردار او شده اند، و به سوی او برگردانده می شوند).

پس هیچ مخلوقی خارج از قضاء و قدر الهی نیست. چرا که خداوند مالك آنها است و هر طور که بخواهد بر اساس حکمت خود در امور آنها دخل و تصرف می نماید. و او آفریننده همه آنها است و هر چه غیر از او است، مخلوق و محتاج خدا می باشند.

هـ . حال که چنین است، پس خالقی غیر از خدا و روزی دهنده و تدبیر کننده ای غیر از او وجود ندارد. و هیچ ذره ای به حرکت در نمی آید مگر به خواست او. بنابراین باید دلها را فقط متوجه خدا بسازیم و خواسته ها و نیازمندی های خود را از او بخواهیم و به او توکل کنیم که خالق ، روزی دهنده و مالك ما است.

۳ . ایمان به الوهیت خدای تعالی:

الف . یعنی تصدیق قطعی به اینکه فقط خدای یگانه شایسته همه عبادات ظاهری و باطنی مانند: دعا، ترس، توکل، یاری، نماز، زکات و روزه می باشد.

پس در این صورت است که بنده یقین می کند که فقط خدا معبود اوست و شریکی ندارد و معبود به حقی جز او وجود ندارد، چنانکه خداوند می فرماید:

﴿وَإِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ لاَ إِلَهَ إِلاَ هُوَ الرَّحْمَانُ الرَّحِيمُ﴾ [بقره:۱٦۳]

(و معبودتان، معبودی یگانه است، و هیچ معبودِ (بحقی) جز او که بخشاینده و مهربان است، وجود ندارد).

---

(۱) (یجیر ولا یجار علیه: یعنی از بندگان خود بلاها را دفع کند، ولی هیچ کس نمیتواند آنچه را که خدا مقدر و سرنوشت کرده است، آنرا دفع نماید).

خداوند در این آیه به ما خبر داده که معبود، یکی است و یکتا است . پس نباید جز او کسی دیگر به معبودی گرفته و پرستش شود.

ب . همچنین ایمان به الوهیت خدا:

یعنی اعتراف به این که فقط خدا إله و معبود به حق است و شریکی ندارد، و إله یعنی: معبودی که که او را دوست بداریم و تعظیم کنیم و تمامی عبادات خود را فقط برای او انجام دهیم و غیر از او کسی دیگر را نخوانیم، و غیر از او، از کسی دیگر نترسیم، و غیر از او، به کسی دیگر توکل نکنیم، و در برابر کسی دیگر سجده نکنیم و اطاعت و خضوع نمائیم، مگر برای او. پس هیچ کس شایسته عبادت نیست مگر خدای سبحان. چنانکه می فرماید: ﴿إِيَّاکَ نَعْبُدُ وَإِيَّاکَ نَسْتَعِينُ﴾ [فاتحه:۵]

(تنها تو را بندگی می کنیم، و تنها از تو یاری می جوییم).

ج . اهمیت ایمان به الوهیت خداوند:

موارد زیر بیانگر اهمیت ایمان به الوهیت می باشند:

۱ . هدف از آفرینش انسانها و جن ها عبادت خدای یکتا است که شریکی ندارد.چنانکه می فرماید: ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالإِنسَ إِلاَّ لِيَعْبُدُونِ﴾ [ذاریات:٥٦]

(و جن و انس را نیافریده ام مگر برای اینکه مرا بندگی کنند.

۲ . مقصود از ارسال پیامبران علیهم السلام و نازل کردن کتابهای آسمانی نیز اقرار به این است که خدا معبود به حق می باشد. چنانکه می فرماید: ﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّة رَسُولاً أَنْ اُعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ﴾ [نحل:٣٦]

(و بیگمان در – میان – هر امتی رسولی را برانگیختیم، – با این دعوت – که: خدا را بندگی کنید و از طاغوت بپرهیزید).

۳ . اولین چیزی که بر هر شخص واجب است، ایمان به الوهیت خدای متعال می باشد. چنانکه در سفارش پیامبر اکرم ﷺ به معاذ بن جبل هنگام فرستادن او به یمن آمده است: ((إِنَّکَ تَأْتِي قَوْماً مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ فَلْيَكُنْ أَوَّلُ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ شَهَادَةَ أَنْ لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللهُ)). متفق علیه.

ترجمه: تو نزد مردمی می روی که اهل کتاب اند. یعنی یهود و نصارا می باشند. پس اولین چیزی که باید آنها را به سوی آن دعوت کنی این است که هیچ معبود بحقی غیر از خدای یکتا وجود ندارد .

یعنی آنها را دعوت کن تا تمامی عبادات را فقط برای خدای یکتا انجام دهند .

د . معنای لا إله إلاّ الله:

این کلمه ی بزرگ، اولین و آخرین واجب بر هر شخص می باشد. بنابراین هر کس با اعتقاد بر این کلمه بمیرد اهل بهشت است. چنانکه رسول خدا ﷺ می فرماید: ((مَنْ مَاتَ وَهُوَ يَعْلَمُ أَنْ لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللهُ دَخَلَ الجَنَّةَ)). (مسلم).

هر کس در حالی بمیرد که بداند هیچ معبود به حقی جز خدا وجود ندار، وارد بهشت می شود.

پس دانستن و شناخت لا إله إلاّ الله از بزرگترین و مهم ترین واجبات است.

لا إله إلاّ الله یعنی هیچ معبود بحقی جز خدای یگانه وجود ندارد.

مطلب فوق تمامی صفات خدا را از غیر خدا نفی می کند و آن را برای خدای یکتا که شریکی ندارد، اثبات می گرداند.

اله: یعنی معبود و هر کس، چیزی یا کسی را بپرستد آن کس یا چیز، معبود او است.

و تنها خدای متعال است که معبود حقیقی می باشد و دلها با محبت و اجلال و تعظیم و فروتنی و خضوع و ترس و توکل بر او، و طلب دعا او را عبادت می کنند .

و هیچگونه شادی و سعادتی نصیب دلها نمی شود، مگر با تحقق مفهوم لا اله الا الله. زیرا شادکامی و زندگی خوب در گرو عبادت خدای یکتا است.

هـ . ارکان لا إله إلاّ الله:

این کلمه بزرگ دو رکن دارد:

رکن اول: «لا إله» است که عبادت غیر خدا را نفی می کند و شرك را باطل و کفر ورزیدن به معبودان باطل را واجب می داند.

رکن دوم: «إلا الله» یعنی اثبات عبادت برای خدای یکتا، و انجام انواع عبادت برای او.

چنانکه خداوند می فرماید:﴿مِنْ الغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى﴾ [بقره:٢٥٦]

(پس هر کس که به عبادت طاغوت کفر ورزد، و به خدا ایمان آورد، - بداندکه - به دستاویزی - بس - محکم چنگ زده است).

پس (فمن یکفر بالطاغوت) معنای رکن اول، (لا إله) و (ویؤمن بالله) معنای رکن دوم (إلاّ الله) را در بر دارد.

و . شرائط لا إله إلاّ الله:

گفتنی است که در شهادت آوردن، یعنی لا إله إلاّ الله گفتن باید هفت شرط رعایت شود وگرنه گوینده آن سودی نمی برد.

۱ . دانستن معنی لا إله إلاّ الله: چنانکه خداوند می فرماید:﴿فَاعْلَمْ أَنَّهُ لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللَّه﴾ [محمد:۱۹]

(پس بدان که معبود - بحقی - جز خدا وجود ندارد).

۲ . یقین: یعنی گوینده آن، به آنچه که این کلمه بر آن دلالت می کند، باور کامل داشته باشد. ولی اگر در این مورد دچار شك و تردید شود، کلمه فوق به او نفعی نمی رساند. چنانکه خداوند می فرماید: ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا﴾ [حجرات:۱۵]

(بدون شك مؤمنان واقعی کسانی هستند که بخدای یکتا و پیامبرش ایمان آوردند سپس هیچگاه شکی به دل راه ندادند).

۳ . پذیرفتن آنچه این کلمه بر آن دلالت دارد. یعنی عبادت خدای یکتا و ترك عبادت غیر او. پس اگر گوینده این کلمه تمامی عبادات را فقط برای خدا نداند، مانند کسی است که خداوند در مورد آنها می فرماید: ﴿إِنَّهُمْ كَانُوا إِذَا قِيلَ لَهُمْ لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ يَسْتَكْبِرُونَ۞ وَيَقُولُونَ أَئِنَّا لَتَارِكُوا آلِهَتِنَا لِشَاعِرٍ مَجْنُونٍ﴾ [صافات: ۳۵-۳٦]

(آنان چنان بودند که وقتی به آنها گفته می شد: معبود به حقی جز خداوند - یگانه - وجود ندارد، سرکشی می کردند و می گفتند: آیا ما معبودانِ خویش را به خاطر - سخن - شاعری دیوانه ترك گوییم؟).

٤ . تسلیم در برابر آنچه که این کلمه بر آن دلالت دارد. چنانکه خداوند می فرماید:﴿وَمَنْ يُسْلِمْ وَجْهَهُ إِلَى اللَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى وَإِلَى اللَّهِ عَاقِبَةُ الأُمُور﴾ [لقمان:۲۲]

(و هر کس نیکوکارانه روی - دلِ - خویش به سوی خداوند آورد، بداند که به دست آویزی محکم چنگ زده است).

«یسلم وجهه» یعنی: تسلیم فرمان او بشود.

«عروة الوثقی» همان «لا إله إلا الله» است.

۵ . صدق در گفتن لا اله الا الله: یعنی از صمیم قلب، این کلمه را بگوید. رسول اکرم ﷺ در این مورد می فرماید: ((مَا مِنْ أَحَدٍ يَشْهَدُ أَنْ لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ صِدْقًا مِنْ قَلْبِهِ إِلاَّ حَرَّمَهُ اللهُ عَلَى النَّارِ)). [متفق علیه].

هر کس گواهی دهد که معبود به حقی جز خدای یکتا وجود ندارد، و محمد بنده و فرستاده او است، و این گواهی، صادقانه و از صمیم قلبش باشد، به طور یقین خداوند آتش جهنم را بر او حرام میگرداند.

٦ . اخلاص: یعنی خالص گردانیدن عمل از انواع شرك. بدینصورت که شخص، با گفتن این سخن قصد به دست آوردن چیزهای دنیوی را نداشته باشد، رسول الله ﷺ می فرماید: ((إِنَّ اللهَ حَرَّمَ عَلَى النَّارِ مَنْ قَالَ لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللهُ، يَبْتَغِي بِذَلِكَ وَجْهَ اللهِ)). [متفق علیه] .

همانا خداوند، آتش را برکسی که شهادت دهد معبود به حقی جز خدای یکتا وجود ندارد و این سخن را فقط بخاطر رضای خدا بگوید، حرام کرده است.

۷ . دوست داشتن این کلمه و آنچه بر آن دلالت دارد و دوست داشتن کسی که به آن عمل نماید. چنانکه خداوند می فرماید:﴿وَمِنْ النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَندَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ﴾ [بقره:۱٦۵]

(و بعضی از مردم کسانی هستند که غیر از خدا همتایانی را - برای او - برمی گزینند. آنها را مانند دوست داشتن خدا، دوست می دارند . و مؤمنان، خدا را سخت دوست دارند).

پس اهل «لا إله إلاَّ الله» با خدا دوستی خالصانه دارند، و مشرکین در محبت خدا نیز شرك می ورزند، یعنی معبودان دیگری را نیز دوست می دارند و این کار با معنی لا اله الا الله منافات دارد.

ز . معنای عبادت:

عبادت: اسم جامعی برای تمامی گفتار و کردار نهان و آشکاری است که خدا دوست دارد و می پسندد. مانند: محبت خدا و رسول ﷺترس از خدا، توکل بر او، خواستن از خدا، نماز، زکات، اطاعت از پدر و مادر، ذکر خدای متعال، جهاد با کفار و منافقین و...

پس عبادت انواع زیادی دارد که شامل انواع طاعات نیز می شود، مانند: تلاوت قرآن، نیکی به فقرا و نیازمندان، راستگویی، امانت داری و گفتار نیك.

پس عبادت شامل تمامی کارهای مؤمن می شود که آنها را به نیت نزدیک شدن با خدا انجام می دهد.

حتی اگر خوردن، آشامیدن و خوابیدنش به قصد اطاعت از خدا باشد، اجر و پاداش دریافت خواهد کرد.

خلاصه اینکه اگر همین عادات ما به نیت رضای خدا انجام گیرد، به عبادت تبدیل میشود و مستحق اجر و پاداش می گردد. چرا که عبادت فقط نماز و روزه نیست.

ح . خداوند، خلایق را به خاطر عبادت خود آفریده است. چنانکه می فرماید:

﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالإِنسَ إِلاَّ لِيَعْبُدُونِ ۞ مَا أُرِيدُ مِنْهُمْ مِنْ رِزْقٍ وَمَا أُرِيدُ أَنْ يُطْعِمُونِ ۞ إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ﴾ [ذاریات: ٥٦-٥٨]

(و جن و انس را جز برای آن که مرا بندگی کنند نیافریده ام، از آنان نه درخواست روزی می کنم و نه می خواهم که به من خوراك بدهند. تنها خدا روزی رسان و صاحب قدرت و نیرومند است و بس).

خداوند سبحان حکمت آفرینش جن و انس را انجام عبادت می داند در حالی که به عبادت آنها نیازی ندارد، بلکه آنها به سبب نیازمند بودن به خدا به عبادت او نیازمند اند.

گفتنی است نیاز بنده به عبادت خدا و شرك نورزیدن به او از نیاز به آب و غذا مهمتر است.

و اگر قلب انسان، حلاوت عبادت و اخلاص را بچشد، هیچ چیزی نزد او شیرین تر از عبادت نخواهد بود.

همچنین هیچ کس بدون قرار گرفتن در حلقه بندگی خدا از چنگ مشکلات دنیا رها نمی شود.

ط . ارکان عبادت:

عبادتی که خدا ما را به آن موظف ساخته است دو رکن دارد.

١ . کمال فروتنی و ترس .

٢ . کمال محبت .

پس عبادتی که خداوند بر بندگانش فرض نموده باید با کمال فروتنی و ترس، و همراه با کمال محبت و شوق و امید به خدا، انجام گیرد.

باید گفت: محبت بدون ترس و فروتنی مانند دوست داشتن خوراك و مال، عبادت نیست. همانطور که ترس بدون محبت، مانند ترس از حیوان درنده نیز عبادت به شمار نمی رود بلکه هرگاه ترس و محبت در انجام عملی با هم جمع شوند عبادت گفته میشود، و عبادت، صحیح نیست جز برای خدای یکتا.

ی . توحید سبب قبول شدن عبادت است:

عبادتی که خداوند به آن امر کرده، جز با توحید او، عبادت گفته نمی شود. پس عبادت توأم با شرك، درست نیست و به هیچ کس نمی توان گفت که خدا را عبادت نموده است مگر اینکه عبادتش همراه توحید انجام گرفته باشد.پس هر کس خدا را عبادت کند و در عبادتش کسی دیگر را شریك سازد، در واقع خدا را بندگی نکرده است.

پس توحید خدا و اخلاص عبادت برای او و شرك نورزیدن به او در قبول عبادت، نزد خدا شرط است. علاوه بر این که عبادت قبول نمی شود، مگر اینکه مطابق با شریعت اسلام و سنت پیامبر ﷺ باشد.

پس شروط قبول شدن عمل نزد خدا، دو چیز میباشند که عبارت اند از:

۱ . غیر از خدا کسی دیگر را پرستش نکند که به این توحید می گویند.

۲ . مطابق دستور خدا و سنت رسول اکرم ﷺ عبادت نماید، چنانکه خداوند می فرماید: ﴿بَلَى مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَلاَ خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلاَ هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ [بقره:۱۱۲]

(آری، هر کس که نیکوکارانه روی دل به سوی خدا نهد، او پاداش خود را در نزد پروردگارش دارد، و نه بیمی بر آنان است، و نه آنان اندوهگین شوند).

«أسلم وجهه» یعنی به حقیقت توحید پی بردن و عبادت را فقط برای خدا انجام دادن .

«وهو محسن» یعنی پیروی کردن از رسول خدا.

ك . شرك: شرك، مخالف با ایمان به الوهیت خدای یگانه است. و اگر ایمان به الوهیت خدای یکتا و انجام عبادات برای خدا از مهمترین واجبات است، پس شرك هم بزرگترین گناه و معصیت نزد خدا به شمار می رود که هرگز آنرا نمیبخشد. چنانکه می فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ لاَ يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَن﴾ [نساء:٤٨]

(به راستی خداوند این را که به او شرك ورزیده شود، نمی بخشد، و جز آن را برای هر کس که بخواهد می بخشد).

و هم چنین می فرماید: ﴿إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ﴾ [لقمان:۱۳]

(به راستی که شرك ستمی بزرگ است).

و وقتی از رسول خدا ﷺ پرسیدند: بزرگترین گناه چیست؟ فرمود: ((أَنَ تَجْعَلَ لله نِداً وَهُوَ خَلَقَكَ)). متفق علیه .

(این که با خدا شرک بورزی در حالی که تو او را آفریده است).

باید گفت که شرک، طاعات را از بین می برد. چنانکه خداوند می فرماید:﴿وَلَوْ أَشْرَكُوا لَحَبِطَ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ [أنعام:۸۸]

(و اگر شرک میورزیدند، آنچه را که کرده بودند، از - نامه اعمال - آنان زدوده می شد).

همچنین فرد مشرک برای همیشه در آتش دوزخ باقی می ماند. چنانکه خداوند می فرماید: ﴿إِنَّهُ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ﴾ [مائده:۷۲]

(بی گمان کسی که به خداوند شرک آورد، خداوند بهشت را بر او حرام می گرداند و جایگاهش آتش - دوزخ - است).

شرک بر دو نوع است:

شرک أکبر، و شرک اصغر:

۱-شرک اکبر: انجام یکی از عبادات را برای غیر خدا شرک اکبر گویند.

مانند خواستن روزی یا تندرستی از غیر خدا. و یا توکل بر غیر خدا، و یا سجده برای غیر او. چنانکه خداوند می فرماید: ﴿وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ﴾ [غافر:٦٠]

(و پروردگارتان گفت: مرا (به دعا) بخوانید تا برایتان اجابت کنم).

همچنین می فرماید: ﴿عَلَى اللَّهِ فَتَوَكَّلُوا إِنْ كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ [مائده:۲۳]

(و اگر ایمان دارید - باید که - بر خدا توکل کنید).

و نیز می فرماید: ﴿فَاسْجُدُوا لِلَّهِ وَاعْبُدُوا﴾ [نجم: ٦٢]

(پس برای خداوند سجده کنید و (او را) بندگی نمایید).

حال که دعا و توکل و سجده از عباداتی است که خدا به آن امر نموده، اگر شخصی آنها را برای خدا انجام دهد، موحد و مؤمن می باشد، و در غیر این صورت، مشرک و کافر است.

۲- شرک اصغر: هر سخن یا عملی است که فرد را به سوی شرک اکبر بکشاند.

مانند: مسجد قرار دادن قبور،بدین معنی که کنار قبر نماز بخواند یا بر قبر، مسجد بسازد و این کار، حرام می باشد و صاحب آن به لعنت و دور بودن از رحمت‌خدا

وعده داده شده است. چنانکه رسول خدا ﷺ می فرماید: ((لَعْنَةُ الله عَلى الْيَهُودِ وَالنَّصَارَى اتَّخَذُوا قُبُورَ أَنْبِيَائِهِمْ مَسَاجِدَ)). متفق علیه.

لعنت خدا بر یهود و نصاراَ باد که قبرهایَ پیامبران خود را تبدیل به مسجد کرده اند .

پس مسجد قرار دادن قبور ،حرام است. زیرا وسیله ایَ برایَ طلب دعا از مردگان و درخواست نیاز از آنان می باشد که خود شرك اکبر به شمار می رود .

٤ . ایمان به اسما و صفات خدا:

الف . توصیف خدا به نامها و صفاتی که خود ذکر کرده و یا رسول خدا او را آنطور که شایسته ذات او است بدانها ستوده. و خداوند در اسما و صفات خود بی نظیر است. چنانکه می فرماید: ﴿فَاطِرُ السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضِ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَمِنْ الأَنْعَامِ أَزْوَاجًا يَذْرَؤُكُمْ فِيهِ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ البَصِيرُ﴾[شوری:۱۱]

(او آفریننده آسمان ها و زمین است. از خودتان برایَ شما همسرانی قرار داده است، و چهارپایان را نیز نر و ماده آفریده است. با این - تدبیر- تعداد شما را زیاد می کند. هیچ چیزی همانند خدا نیست، و او شنوا و بیناست].

پس خداوند در تمامی اسماء و صفات خود از مشابهت با مخلوق پاك و منزه است.

اسماء خداوند بسیار است که بعضی عبارتند از:

رحمان(بخشاینده) بصیر(بینا) عزیز(گرامی و ارجمند)، چنانکه می فرماید: ﴿الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ [فاتحه:۳]

(بخشاینده مهربان).

و می فرماید:﴿وَهُوَ السَّمِيعُ البَصِيرُ﴾ [شوری:۱۱]

(و او شنوایَ بیناست).

و می فرماید: ﴿وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ [لقمان:۹]

(و او پیروزمندِ فرزانه است).

ب . نتایج ایمان به اسما و صفات خدا:

۱ . شناخت خدا: کسی که به اسما و صفات خدا ایمان آورد، شناختش نسبت به خدا بیشتر و بطور یقین ایمانش نیز به خدا بیشتر، و توحیدش مستحکم تر خواهد شد .
۲ . سپاس و ستایش خدا به وسیله اسماء و صفات اش : و این بهترین نوع ذکر خداست، همان طور که می فرماید: ﴿يَاأَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا﴾ [أحزاب:٤١]
(ای مؤمنان، خداوند را بسیار یاد کنید).
۳ . دعا خواستن بوسیله اسما و صفات خدا: چنانکه می فرماید: ﴿وَلِلَّهِ الأَسْمَاءُ الْحُسْنَى فَادْعُوهُ بِهَا﴾ [أعراف:١٨٠]
(و خداوند، نامهای نیك دارد. پس او را به آن - نامها - بخوانید).
مانند این که بگوید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَنَّكَ الرَّزَّاقُ فَارْزُقْنِي...» .
خدایا می دانم که روزی دهنده فقط تو هستی پس به من روزی بده.

٤ . از نتایج ایمان به اسما و صفات خدا: سعادت و زندگی خوب در دنیا و نعمت بهشت در آخرت می باشد.
آثار ایمان به خداوند متعال:
ایمان بخدا، آثار و نتایج خوبی هم در دنیا و هم در آخرت دارد. جلب تمامی خوبی های دنیا وآخرت و دفع هرگونه شر و بلا از نتایج ایمان است .
در اینجا به عنوان مثال به بعضی از آثار و نتایج ایمان، اشاره می شود:
۱ . خداوند تمامی رنج ها و سختی ها را از مؤمنین دور می سازد و آنها را از گناه باز می دارد و در برابر دسیسه های دشمن حفاظت می کند. چنانکه می فرماید:
﴿إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنْ الَّذِينَ آمَنُوا﴾ [حج:٣٨]
(خداوند از مؤمنان دفاع می کند – و به سبب ایمانشان پیروزشان می گرداند–).

۲ . ایمان باعث زندگی پاك و رسیدن به سعادت می شود. چنانکه خداوند می فرماید: ﴿مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهُ حَيَاةً طَيِّبَةً﴾ [نحل:۹۷]

(هر کس چه مرد و چه زن کار شایسته انجام دهد، به او زندگی پاکیزه و خوشایندی عطا می کنیم).

۳ . ایمان، نفس انسان را از خرافات پاك می گرداند. پس کسی که حقیقتاً به خدا ایمان بیاورد تمام کارهای خود را به خدا می سپارد. چرا که او رب العالمین و معبود بحقی است که غیر از او معبود بحقی وجود ندارد. پس مومن، از مخلوق نمی ترسد، و قلب خود را وابسته به کسی نمی سازد و سرانجام، خود را از دام خرافات و اوهام و خیالات بی اساس، آزاد می گرداند.

٤ . یکی دیگر از نتایج ایمان، پیروزی، نجات، رسیدن به خواسته های مطلوب و رهیدن از هر ترس و اضطراب است. چنانکه خداوند می فرماید: ﴿أُوْلَئِكَ عَلَى هُدًى مِنْ رَبِّهِمْ وَأُوْلَئِكَ هُمْ الْمُفْلِحُونَ﴾ [بقره:۵]

(این گروه، بر هدایت پروردگارشان قرار دارند و اینان هستند که رستگارند).

۵ . بزرگترین نتیجه ایمان، به دست آوردن خشنودی خدای متعال و ورود به بهشت و به دست آوردن نعمتهای همیشگی، و رحمت کامل خداوندی است.

ایمان به فرشتگان:

الف . ایمان به فرشتگان: یعنی باور قطعی به اینکه خداوند نوعی مخلوق به نام فرشته دارد. چنانکه می فرماید: ﴿بَلْ عِبَادٌ مُكْرَمُونَ۞ لاَ يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ﴾ [أنبياء:٢٦-٢٧]

(بلکه - آن فرشتگان - بندگانی گرامی اند، در هیچ سخنی بر او پیشی نمی گیرند، و آنان به فرمان او کار می کنند).

ایمان به فرشتگان متضمن چهار چیز است:

١ . ایمان به وجود آنها .

٢ . ایمان به آنان که نام آنها را می دانیم، مانند: جبریل عليه السلام و ایمان اجمالی به آنهائی که نامشان ذکر نشده است.

٣ . ایمان به صفاتی که از آنها می دانیم .

٤ . ایمان به اعمالی که به امر خدا انجام می دهند، مانند تسبیح و عبادت خدا در شبانه روز بدون خستگی و سستی و بی حالی .

باید دانست که ایمان به فرشتگان، رکنی از ارکان ایمان است. چنانکه خداوند می فرماید: ﴿آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلاَئِكَتِهِ وَكُتُبِه﴾ [بقره:٢٨٥]

(رسول - خدا - به آنچه از - سوی - پروردگارش بر او فرو فرستاده شده، ایمان آورده است، و مؤمنان - هم - بدان باور دارند. همگی به خداوند و فرشتگانش و کتاب هایش و فرستادگانش ایمان آورده اند).

و رسول الله ﷺ در تعریف ایمان می فرماید: ((أَنْ تُؤْمِنَ بِاللهِ وَمَلاَئِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الآخِرِ وَتُؤْمِنَ بِالْقَدَرِ خَيْرِهِ وَشَرِّهِ)). (مسلم)

یعنی ایمان عبارت است از: اعتقاد به خدا و فرشتگان خدا و کتاب‌ها و پیامبران او و روز قیامت و قضا و قدر و خیر و شر آن .

ب . صفات فرشتگان:

رسول اکرم ﷺ در مورد آفرینش فرشتگان فرمود که آنها از نور آفریده شده اند. چنانکه می فرماید: ((خُلِقَتِ الْمَلاَئِكَةُ مِنْ نُورٍ...)) (مسلم)

(فرشتگان از نور آفریده شده اند.)

و خداوند نیز در مورد فرشتگان فرموده که بالهائی دارند و از نظر داشتن تعداد بال، با یکدیگر متفاوت اند. چنانکه می فرماید: ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلاَئِكَةِ رُسُلاً أُولِي أَجْنِحَةٍ مَثْنَى وَثُلاَثَ وَرُبَاعَ يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ [فاطر:۱]

(ستایش خدای راست که پدید آورنده آسمان ها و زمین است. و فرشتگان را با دو، سه و چهار بال که دارند، مامور کرد. او هر چه بخواهد در آفرینش می افزاید. خداوند بر هر کاری تواناست).

پیامبر خدا ﷺ جبریل عليه السلام را دید که ششصد بال دارد.(متفق علیه)

و گاهی ممکن است که فرشته به خواست خدا به شکل انسان ظاهر شود. چنانکه جبرئیل عليه السلام بارها به شکل انسان نزد مردم آمده است. همچنین فرشتگانی که خدا آنها را به سوی ابراهیم و لوط علیهما السلام فرستاد به شکل مرد ظاهر شدند.

گفتنی است که دنیای فرشتگان دنیائی غیبی است و آنها آفریده شده اند تا خدا را عبادت کنند و هیچ صفت ربوبیت و الوهیتی ندارند. بلکه بندگانی مطیع و فرمانبردار خدایند. چنان که خداوند درباره آنها می فرماید:

﴿لاَ يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ﴾ [تحریم:٦]

(آنان از دستورات خداسرپیچی نمی کنند و همان کا را که بدان امر شده اند، انجام می دهند).

ج . انواع فرشتگان و وظایف آنها:

فرشتگان چند نوع اند و هر یك از آنها کار خاصی انجام می دهد. از جمله:

۱ . فرشته ای که مأمور وحی به سوی پیامبران است و جبرئیل نام دارد.

۲ . فرشته ای دیگر مأمورنزول باران و هدایت آن از جائی به جائی دیگر است.

۳ . فرشته ای که مأمور دمیدن صور (شیپور) است و به اسرافیل می گویند.

٤ . فرشتگانی که مامور قبض ارواح هستند، مانند ملك الموت و یاران او.

٥ . فرشتگانی که مأمور نوشتن اعمال خوب و بد انسانها هستند و به آنها «الکرام الکاتبون» می گویند.

٦ . و فرشتگان دیگری که مامور حفظ و نگهداری بندگان در هر حال هستند و به آنها «معقبات» می گویند.

و برخی از آنها نگهبان دوزخ و آتش اند. و عده ای دیگر در جستجوی مجالس خوب و ذکر می باشند. و برخی دیگر مأموران کوهها هستند و عده ای دیگر از آنها

به صف ایستاده و خسته نمی شوند و خلاصه هیچ کس تعداد سربازان خدا را نمی داند .

د . آثار ایمان به فرشتگان:

ایمان به فرشتگان آثار مهمی در زندگی مؤمن دارد از جمله:

۱ . پی بردن به عظمت خدا و کمال قدرت او. زیرا عظمت مخلوق، دلالت بر عظمت خالق دارد. پس هنگامی که مؤمن بداند خداوند فرشتگانی از نور آفریده که دارای بالهای متعددی هستند، خدا را بیشتر مورد تعظیم و تقدیر قرار خواهد داد.

۲ . استقامت و پایداری بر طاعت خدای تعالی: هر کس ایمان بیاورد که فرشتگانی وجود دارند و تمامی اعمال او را مینویسند، از خدا بیشتر خواهد ترسید و پنهان و آشکار معصیت نخواهد کرد.۳ . صبر بر اطاعت خدا و احساس آرامش: وقتی که مؤمن یقین پیدا کند که در این دنیا هزاران فرشته همراه اوست، که به بهترین وجه از خدا اطاعت می کنند، آرامش به او دست می دهد.

٤ . سپاس و تشکر از خداوند متعال به خاطر عنایتش به بنی آدم که فرشتگانی جهت حفاظت و نگهداری آنها گماشته است.

٥ . همواره نابودی دنیا را مد نظر قرار می دهد. چون فرشته مرگ را به یاد می آورد که روزی برای قبض روح اش خواهد آمد، این امر او را وادار می کند تا با ایمان و عمل صالح و نیک خود را برای آخرت، آماده سازد.

ایمان به کتاب های آسمانی:

الف . ایمان به کتاب ها: یعنی اعتقاد راسخ به این که خداوند کتاب هایی به وسیله پیامبران، برای بندگانش فرستاده است و این کتاب ها کلام خداست و در آنها آنطور که شایسته او است سخن گفته و در این کتاب ها نور و حق و هدایت مردم به سوی دنیا و آخرت وجود دارد.

گفتنی است که ایمان به کتاب های آسمانی شامل سه چیز می شود:

۱ . ایمان به این که یقیناً خدا آنها را نازل فرموده است .
۲ . ایمان به کتابهائی که نام آنها را ذکر کرده است. مانند: قرآن کریم که بر محمد ﷺ و تورات که بر موسی عليه السلام و انجیل که بر عیسی عليه السلام نازل شده است .
۳ . ایمان راستین به اخبار صحیحی که از این کتابها به ما می رسد. مانند اخباری که قرآن بیان داشته است.
باید گفت که ایمان به کتاب های آسمانی یکی از ارکان ایمان است. چنانکه خداوند می فرماید: ﴿يَاأَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ عَلَى رَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي أَنزَلَ مِنْ قَبْلُ﴾ [نساء:١٣٦]
(ای مؤمنان! به خدا و رسولش و آن کتابی که بر رسولش فروفرستاده و آن کتابهایی که پیش از این نازل کرده است، ایمان بیاورید).
پس خداوند امر فرموده تا به پیامبرش محمد ﷺ و کتابی که بر او نازل کرده یعنی قرآن ایمان بیاوریم، چنان که امر فرموده تا به کتاب های نازل شده قبلی نیز ایمان بیاوریم.
و رسول الله ﷺ در تعریف ایمان فرمودند: «أَنْ تُؤْمِنَ بِاللهِ وَمَلاَئِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الآخِرِ وَتُؤْمِنَ بِالقَدَرِ خَيْرِهِ وَشَرِّهِ». (مسلم)
ایمان عبارت است از: باور داشتن خدا، فرشتگان، کتاب‌ها، پیامبران خدا، روز قیامت و قضا و قدر خیر و شر آن.
ب . مزایای قرآن کریم:
قرآن کریم، کلام خدا است که آنرا بر پیامبر ما محمدﷺ ؛ نازل کرده است. بنابراین فرد مؤمن، به این کتاب با دیده تعظیم می نگرد و تلاش می کند تا متمسك به احکام آن شود و آن را تلاوت نماید و در آیات آن بیندیشد.
و همین کافی است که قرآن هدایت کننده ما در دنیا و سبب پیروزی ما در آخرت می باشد .
قرآن کریم دارای ویژگی های متعددی است که آنرا بر کتاب های آسمانی گذشته برتری داده است از جمله:
۱ . قرآن کریم در بر گیرنده خلاصه ای از تمام احکام الهی و مؤید آنچه در مورد عبادت خدای یکتا در کتابهای سابق آمده، می باشد .
چنانکه خداوند می فرماید:﴿وَأَنزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنْ الْكِتَابِ وَمُهَيْمِنًا عَلَيْه﴾ [مائده:٤٨]

(- ای پیامبر! - بر تو کتاب - قرآن - را نازل کردیم که ملازم حق و موافق و تصدیق کننده کتابهای پیشین و شاهد و حافظ آنهاست).

یعنی این قرآن، تصدیق کننده آنچه در کتابهای سابق از وحی صحیح وجود دارد می باشد .

«مهیمناً علیه» یعنی امین و مورد اطمینان و شاهد و گواه کتابهای سابق.

۲ . تمسك به قرآن، پیروی از آن و عمل به دستورات آن، بر همه واجب است. خلاف کتابهای گذشته که هر یك متعلق به قوم خاصی بوده است. خداوند می فرماید: ﴿وَأُوحِيَ إِلَيَّ هَذَا الْقُرْآنُ لِأُنذِرَكُمْ بِهِ وَمَنْ بَلَغَ﴾ [أنعام:۱۹]

(و این قرآن به من وحی شده است تا با آن شما و کسی را که این قآن به او می رسد، بیم دهم).

۳ . خداوند متعال ضامن حفظ قرآن شده است، و دست تحریف هیچ کس نه به رسیده و نخواهد رسید. چنانکه می فرماید:﴿ إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُون﴾ [حجر:۹]

(بی گمان ما قرآن را فرو فرستاده ایم و از آن، حفاظت خواهیم کرد).

ج . وظیفه ما در برابر قرآن:

اکنون که با بعضی از امتیازات قرآن و ویژگی های آن آشنا شدیم، وظیفه ما در برابر قرآن چیست؟

در پاسخ باید گفت:قرآن را باید دوست داشته باشیم و آنرا گرامی بداریم. چرا که کلام خداوند عزوجل است و صادق ترین و بهترین سخن می باشد.

همچنین تلاوت آیات و تدبر در سوره های قرآن و اندیشیدن پیرامون اندرزهای و اخبار و قصص آن بر ما واجب است .

و نیز پیروی از احکام آن بر ما واجب است. چنانکه ازعایشة رضی الله عنها از خُلُق پیامبر ﷺ پرسیدند در جواب گفت: ((كَانَ خُلُقُهُ الْقُرْآنَ)).(مسلم) خُلُق و خوی او قرآن بود .

یعنی احکام قرآن و دستورات آن در رفتار رسول الله ﷺ تجسم عینی پیدا کرده بود و او کمال پیروی از قرآن را بجای آورده بود. بدینجهت پیروی از رسول خدا ﷺ بر ما واجب شد. چون او بهترین پیشوا و الگوی ما است. همان طور که خداوند می فرماید: ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيراً﴾ [أحزاب:۲۱]

(به راستی برای شما رسول خدا الگوی خوبی است. برای کسی که امید به خدا داشته و جویای قیامت باشد و خدا را بسیار یاد کند.)

د . تحریف کتاب های آسمانی گذشته:

خداوند در قرآن کریم به ما خبر داده که اهل کتاب (یهود و نصارا) کتاب های خود را تحریف کرده اند و آنها را از صورتی که خدا نازل کرده، خارج ساخته اند.

یهودیان، تورات را تحریف و تغییر دادند و احکام آن را به بازی گرفتند. چنانکه خداوند می فرماید: ﴿مِنْ الَّذِينَ هَادُوا يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ اً﴾ [نساء:٤٦]

(-گروهی- از یهود هستند که کلمات را از جایگاهشان تغییر می دهند].

نصارا هم احکام انجیل را تحریف نمودند. خداوند درباره آنها نیز می فرماید:

﴿وَإِنَّ مِنْهُمْ لَفَرِيقًا يَلْوُونَ أَلْسِنَتَهُمْ بِالْكِتَابِ لِتَحْسَبُوهُ مِنْ الْكِتَابِ وَمَا هُوَ مِنْ الْكِتَابِ وَيَقُولُونَ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَمَا هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ﴾

[آل عمران:٧٨]

(و همانا در میان - اهل کتاب - کسانی هستند که هنگام خواندن کتاب، زبان به تحریف می گشایند تا شما گمان کنید - آنچه می خوانند - از کتاب خداست. در حالی که از کتابهای خدا نمی باشد. می گویند که آن از نزد خدا - نازل شده - است و با اینکه از سوی خدا نیامده است. به خدا دروغ می بندند. حال آنکه می دانند - که دروغ می گویند-).

پس توراتی که در حال حاضر وجود دارد، آن توراتی نیست که بر موسی عليه السلام نازل شده و هم چنین انجیل حاضر، آن انجیلی نیست که بر عیسی عليه السلام نازل شده است .

بلکه تورات و انجیلی که هم اکنون در دست اهل کتاب می باشد شامل عقاید فاسد و اخبار باطل و قصه های دروغین است. بنابراین ما آن را تصدیق نمی کنیم مگر آنچه قرآن و یا سنت صحیح تایید کرده باشد.

هـ . آثار و نتایج ایمان به کتاب های آسمانی:

ایمان به کتاب های آسمانی نتایج و آثار متعددی دارد از جمله:

١ . پی بردن به عنایت خدا نسبت به بندگان خود و کمال رحمت و شفقت او به آنها، که برای هدایت هر قومی کتابی فرستاده تا سعادت دنیا و آخرت را به دست آورند .

۲ . پی بردن به حکمت خدا در شریعت: برای هر قوم آیینی فرستاده که مناسب احوال و مورد علاقه شان بوده است. چنانکه می فرماید: ﴿لِكُلٍّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا﴾ [مائده:٤٨]

(برای هر یك از شما شریعت و راهی قرار داده ایم).

۳ . سپاس و تشکر از خدا بخاطر فرستادن این کتابها که سراسر نور و هدایت در دنیا و آخرت اند.

ایمان به پیامبران:

الف . نیاز مردم به رسالت:

رسالت برای بندگان امری ضروری است و نیاز آنها به رسالت بیشتر از هر نیاز دیگری است. چرا که رسالت، روح عالم و نور زندگی است. اگر روح و زندگی و نور در عالم نباشد چه خیر و سعادتی در آن وجود خواهد داشت.

دنیای تاریك را جز با طلوع خورشید رسالت، نمی توان روشن ساخت و هیچ راهی برای رسیدن به سعادت دنیا و آخرت و شناخت خوب و بد وجود ندارد، مگر از طریق رسالت.

چنانکه خداوند، رسالت را روح نامیده و فرموده است: ﴿وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِنْ أَمْرِنَا مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلاَ الإِيمَانُ وَلَكِنْ جَعَلْنَاهُ نُورًا نَهْدِي بِهِ مَنْ نَشَاءُ مِنْ عِبَادِنَا﴾ [شوری:۵۲]

(همچنین روح – قرآن - را به فرمان خود به تو وحی کردیم و – قبل از آن - تو نمی دانستی که کتاب چیست و ایمان کدام است؟ ولی ما قرآن را قرار داده ایم و در پرتو آن هر یك از بندگان خود را که بخواهیم، هدایت می کنیم).

اعتقاد به پیامبران یکی از ارکان ایمان است، چنانکه خداوند می فرماید: ﴿آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلاَئِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ﴾ [بقره:۲۸۵]

(رسول – خدا – به آنچه از – سوی – پروردگارش بر او فروفرستاده شده، ایمان آورده است. و مؤمنان – هم – هر یك به خدا و فرشتگانش و کتاب هایش و فرستادگانش ایمان آورده اند).

آیه فوق بیانگر آن است که ایمان به همه پیامبران واجب است. بدون اینکه بین آنها فرقی قائل شد. نه اینکه مانند یهود و نصاری به بعضی از پیامبران ایمان آورد و به بعضی دیگر کفر ورزید.

چنانکه رسول خدا ﷺ در تعریف ایمان می فرماید: ﴿أَنْ تُؤْمِنَ بِاللهِ وَمَلاَئِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرَسُلِهِ وَالْيَوْمِ الآخِرِ وَتُؤْمِنَ بِالْقَدَرِ خَيْرِهِ وَشَرِّهِ﴾ مسلم.

ترجمه: ایمان یعنی باور داشتن خدا، فرشتگان خدا، کتاب ها، فرستادگان خدا، روز قیامت و سرنوشت و خیر و شر آن.

متأسفانه کشورهائی که خود را پیشرفته می دانند و گرفتار این همه رنج و مشقت و بدبختی هستند، سبب آن روی گردانیدن از رسالت و رهنمودهای آسمانی می باشد.

ب . معنای ایمان داشتن به پیامبران:

یعنی تصدیق قطعی به این که خدا برای هر ملتی پیامبری از جنس خودشان فرستاده تا آنان را به عبادت خدای یکتا دعوت نماید .

و این که همه پیامبران، صادق بوده و مورد تصدیق خداوند قرار گرفته اند با این معنی است که امین و با تقوا و راهنما و راه یافته بوده اند و تمام پیامهای خدا را بدون کتمان و کم و زیاد کردن به مردم رسانیده اند. چنانکه خداوند می فرماید:

﴿فَهَلْ عَلَى الرُّسُلِ إِلاَّ الْبَلاَغُ الْمُبِينُ﴾ [نحل:۳۵]

(پس آیا بر – عهدهٔ – رسولان جز تبلیغ آشکار – مسئولیت دیگری هم – هست؟).

تصدیق این مطلب که تمامی انبیا، بر حق آشکاری بوده و دعوت همه آنها نیز به توحید بوده است. چنانکه خداوند می فرماید: ﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولاً أَنْ اُعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ﴾ [نحل:۳٦]

(و به یقین در – میان – هر امتی رسولی برانگیختیم – با این دعوت – که: خدا را بندگی کنید و از طاغوت بپرهیزید).

چه بسا که ادیان انبیا در مسائل فرعی حلال و حرام، با یکدیگر اختلاف داشته اند. چنانکه خداوند می فرماید: ﴿لِكُلٍّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا﴾ [مائده:٤٨]

(برای هر یك از شما شریعت و راهی قرار داده‌ایم).

باید گفت که ایمان به پیامبران در بر گیرنده چهار چیز است:

۱ . ایمان به این که رسالت انبیا از سوی خدا، حق است و هر کس به یکی از آنها کافر شود گویا به تمامی رسالتها کافر شده است.

۲ . ایمان به تمام کسانی که خدا نام آنها را ذکر کرده است. مانند محمد، إبراهیم، موسی، عیسی و نوح علیهم السلام و... همچنین ایمان داشتن به پیامبرانی که نامشان را نمی دانیم.

۳ . پذیرفتن اخبار صحیحی که از پیامبران به ما رسیده است.

٤ . عمل به دستورات پیامبری که به سوی ما فرستاده شده، و اعتقاد به این که او سرور و خاتم پیامبران است.

ج . تعریف نبی و رسول:

نبی از کلمه نبأ گرفته شده است و بمعنی خبر دهنده. پس نبی کسی است که از سوی خدا خبر می آورد. یا از نبوت گرفته شده که به معنی زمین بلند و مرتفع می باشد. پس نبی از همه شریفتر و دارای قدر و منزلت بیشتری می باشد.

تعریف اصطلاحی نبی: انسان آزاد و مردی که خدا او را برای تبلیغ وحی خود برگزیده است.

رسول در لغت: بمعنی شخصی که مامور رسانیدن پیام از جانب کسی باشد.

تعریف اصطلاحی رسول: انسان آزاد و مردی که خدا به وی شریعت مستقل داده و او را موظف به تبلیغ آن در میان ملتی مخالف نموده است.

فرق بین نبی و رسول:

رسول، خاص تر از نبی است. بنابراین، هر رسول نبی است، ولی هر نبی رسول نیست.

پس رسول مامور تبلیغ شریعت خدا در میان ملتی است که مخالف دین خدا و نسبت به آن بیگانه اند.

اما نبی شریعت مستقل ندارد، بلکه برای تبلیغ شریعت پیامبر قبلی فرستاده می شود.

د . صفات پیامبران و نشانه های آنها:

بارزترین صفت پیامبران علیهم السلام این است که بشر اند و مانند بقیه انسانها نیاز به آب و خوراك و غیره دارند. چنانکه خداوند می فرماید: ﴿وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَکَ إِلاَّ رِجَالاً نُوحِي إِلَيْهِم﴾ [أنبياء:۷]

(و پیش از تو جز مردانی که به آنان وحی میکردیم، نفرستادیم).

همچنین مانند سایر انسانها دچار گرفتاری، بیماری و مرگ می شوند.

و هیچ یك از خصلتهای ربوبیت و الوهیت در آنها وجود ندارند. بلکه انسانهایی هستند که در آفرینش اخلاق، به درجه کمال رسیده اندو بهترین مردم از جهت نسب می باشند و دارای عقل برتر و زبان فصیح هستند که آنها را در ابلاغ رسالت مقاومت در برابر مشکلات آن، کمك می کند.

و حکمت فرستادن پیامبر، از نوع بشر این است که برای مردم کسی الگو باشد که از نوع خودشان است. که طبعاً پیروی از او در توان مردم باشد.

یکی دیگر از صفات پیامبران این است که خداوند، وحی را به ایشان اختصاص داده است. چنانکه می فرماید: ﴿قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُوحَى إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ﴾ [کهف:۱۱۰]

(بگو: من فقط بشری مانند شما هستم که به من وحی می شود که معبودتان، معبودی یکتاست).

پس خداوند آنها را از میان مردم انتخاب کرده و برگزیده است. چنانکه می فرماید:﴿اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَه﴾ [أنعام:١٢٤]

(خداوند بهتر می داند که رسالتش را به چه کسی واگذار نماید).

و نیز از صفات دیگر پیامبران این است که، در هر چه از جانب خدا تبلیغ می کنند معصوم اند و در تبلیغ آن دچار خطا و اشتباه نمی شوند.

یکی دیگر از صفات پیامبران، راستگویی است. یعنی در گفتار و کردار خود صادق می باشند. چنانکه خداوند می فرماید:﴿هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَانُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ﴾ [یس:٥٢]

(این همان است که – خدای– رحمان وعده داده بود و رسولان راست گفتند).

و از صفات دیگر آنها صبر و شکیبایی است. پس رسولان، مژده دهنده و بیم دهنده بوده اند و مردم را به سوی دین خدا دعوت می کرده اند.

و از این رهگذر انواع اذیت و آزار و رنج وسختی به آنان رسیده، با این حال در راه اعلای کلمه الله همه آنها را تحمل نموده و صبر پیشه کرده اند، خداوند می فرماید:

﴿فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُوْلُوا الْعَزْمِ مِنْ الرُّسُلِ﴾ [أحقاف:٣٥]

(پس چنان که پیامبران اولو العزم شکیبایی ورزیدند، شکیبا باش).

اما در مورد نشانه های پیامبران باید گفت: خداوند رسولان خود را با معجزه های آشکار و دلایل محکم که دلالت بر صدق رسالت شان می کند، تایید کرده است.

پس خداوند بوسیله پیامبران خود کارهای شگفت انگیزی انجام می دهد که در توان بشر نیست و به آنها معجزه می گویند و بیانگر صدف و اثبات نبوت آنان است.

بعنوان مثال: خبر دادن عیسی عليه السلام به قوم خود از آنچه می خوردند و آن چه در خانه هایشان ذخیره میکردند، و تبدیل عصای موسی به اژدها، و شق القمر با اشاره انگشت محمد ﷺ .

هـ . حکمت بعثت پیامبران:

خداوند پیامبران را فرستاده است تا معبود بحق مردم را به آنها بشناساند و آنها را به سوی خدای یکتا که شریکی ندارد فرا بخوانند.

همچنین دین را زنده نگهدارند و از تفرقه و اختلاف، جلوگیری نمایند. چنانکه خداوند می فرماید: ﴿شَرَعَ لَكُمْ مِنْ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا

إِلَيْکَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلاَ تَتَفَرَّقُوا فِيه﴾ [شوری:۱۳]

(خداوند آیینی را برای شما بیان داشته که آنرا به نوح توصیه کرده است و ما آنرا به تو وحی و به ابراهیم و موسی و عیسی سفارش نموده ایم که دین را پا برجا بدارید و در آن، اختلاف و تفرقه بوجود نیاورید).

و نیز آنها را فرستاده تا مردم را بشارت دهند و آنها را بترسانند. چنانکه خداوند می فرماید: ﴿وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلاَّ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ﴾ [کهف:٥٦]

(و ما پیامبران را جز بعنوان مژده رسان و بیم دهنده نمی فرستیم).

گفتنی است که بشارت پیامبران و ترسانیدن آن ها هم برای دنیا و هم برای آخرت میباشد و آنها پرهیزکاران را در دنیا به داشتن زندگی پاکیزه بشارت داده اند. چنانکه خداوند می فرماید: ﴿مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهُ حَيَاةً طَيِّبَة﴾ [نحل:۹۷]

(هر کس چه مرد و چه زن، کار شایسته انجام دهد و مومن باشد، بدو زندگی پاکیزه و خوشایندی عطا می کنیم).

همچنین انسانها را از عذاب و نابودی دنیوی بر حذر می دارند. چنانکه خداوند می فرماید: ﴿فَإِنْ أَعْرَضُوا فَقُلْ أَنذَرْتُكُمْ صَاعِقَةً مِثْلَ صَاعِقَةِ عَادٍ وَثَمُودَ﴾ [فصلت:۱۳]

(پس اگر روی برگردانند، بگو شما را از صاعقه ای مانند صاعقه عاد و ثمود بر حذر می داریم).

انسانهای مطیع را به بهشت و نعمتهای آن در آخرت بشارت میدهند. چنانکه خداوند می فرماید: ﴿وَمَنْ يُطِعْ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَلِکَ الْفَوْزُ الْعَظِيم﴾ [نساء:۱۳]

(هر کس از خدا و رسول او فرمان برد، او را به بهشت هایی درآورد که از فرودستِ آن جویباران روان است که در آن جاودانه خواهند بود، و کامیابی بزرگ این است).

و هجرهین و گناهکاران را از عذاب آخرت میرسانند. چنانکه خداوند می فرماید:

﴿وَمِنْ خَلْفِهِمْ أَلاَّ تَعْبُدُوا إِلاَّ اللَّهَ قَالُوا لَوْ شَاءَ رَبُّنَا لأَنزَلَ مَلاَئِكَةً فَإِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ﴾ [نساء:١٤]

(هر کس از خدا و رسول او نافرمانی کند و از حدودش بگذرد، او را وارد آتش (جهنم) می کند که در آن جاودانه خواهد بود، وعذابی خفّت آور - در پیش- دارد).

همچنین خداوند آنها را فرستاد تا بهترین الگوی مردم در رفتار، اخلاق و عبادت باشند. چنانکه می فرماید: ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيراً﴾ [أحزاب:٢١]

(به راستی برای شما، رسول خدا الگوی خوبی است. - یعنی-برای کسی که امید به خدا داشته و جویای قیامت باشد و خدا را بسیار یاد کند).

و . ایمان آوردن به محمد ﷺ ، نبی و رسول خدا:

ما ایمان داریم که محمد ﷺ بنده و رسول خدا و سرور اولین و آخرین و خاتم انبیا است. که بعد از او پیامبری نخواهد آمد.

رسالتش را تبلیغ نمود. امانتش را ادا کرد. امت را نصیحت فرمود. و در راه خدا به نحو احسن جهاد کرد.

پس بر ما واجب است که او را در آنچه به ما خبر داده، تصدیق کنیم. و در آنچه امر فرموده اطاعت نمائیم، و از آنچه نهی کرده دوری جوییم. و خدا را مطابق روش او عبادات کنیم. چنانکه خداوند می فرماید: ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيراً﴾ [أحزاب:٢١]

(به راستی برای شما، یعنی برای کسی که امید به خدا داشته و جویای قیامت باشد و خدا را بسیار یاد می کند، رسول خدا ﷺ سرمشقی نیکوست).

و واجب است که محبت او ﷺ را بر محبت همه، اعم ازپدر و مادر و فرزند و غیره مقدم بداریم. چنان که خود می فرماید: ((لاَيُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّى أَكُونَ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ وَالِدِهِ وَوَلَدِهِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِيْنَ)). متفق علیه.

ترجمه: ایمان هیچ یك از شما كامل نمی شود مگر این كه من نزد او از پدر و – مادر– و فرزند و تمامی مردم، محبوبتر باشم.

و دوستی حقیقی رسول خدا ﷺ با پیروی از سنتش تحقق می یابد. همانطور كه سعادت حقیقی و هدایت كامل نیز در گرو اطاعت از دستورات او می باشد. چنانكه خداوند می فرماید: ﴿وَإِنْ تُطِيعُوهُ تَهْتَدُوا وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلاَّ الْبَلاَغُ الْمُبِينُ﴾ [نور:٥٤]

(و اگر از او فرمان ببرید راه خواهید یافت، و بر – عهده– رسول – ما– جز پیام رسانی آشكار نیست).

همچنین بر ما واجب است كه آنچه را رسول الله ﷺ آورده بپذیریم و به سنت او عمل كنیم و راهنمودهایش را مورد تكریم و تعظیم قرار دهیم. چنانكه خداوند می فرماید: ﴿فَلاَ وَرَبِّكَ لاَ يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لاَ يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ [نساء:٦٥]

(سوگند به پروردگارت كه آنها مومن به شمار نمی آیند. مگر اینكه تو را در اختلافاتشان داور بكنند. آنگاه ملالی از داوری تو نداشته و كاملا تسلیم تو باشند).

و بر ماست كه از مخالفت با دستورات آنحضرت بپرهیزیم. چرا كه مخالفت با او سبب فتنه و گمراهی و عذاب دردناك خواهد شد. چنانكه خداوند می فرماید: ﴿فَلْيَحْذَرْ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ [نور:٦٣]

(پس باید آنان كه بر خلاف فرمان او رفتار میكنند، از آن بر حذر باشند كه بلایی به آنان برسد، یا عذابی دردناك گریبانگیرشان شود).

ز . ویژگی های رسالت محمدی:

١– رسالت محمدی پایان بخش رسالت های گذشته است. چنانكه خداوند می فرماید: ﴿مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ وَلَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ﴾ [أحزاب:٤٠]

(محمد (ﷺ) پدر هیچ كس از مردان شما نیست، بلكه رسول خدا و خاتم پیامبران است).

٢– رسالت محمدی ناسخ رسالات گذشته است.

خداوند از هیچ کس دینی جز دین محمد نمی پذیرد. و هیچ کس به نعمت بهشت نمی رسد مگر از طریق محمد ﷺ ، پس او گرامی ترین پیامبران است و امت اش بهترین امتها، و شریعت اش کاملترین شریعت ها است. چنانکه حق تعالی می فرماید: ﴿وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الإِسْلاَمِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الآخِرَةِ مِنْ الْخَاسِرِينَ﴾ [آل عمران:۸۵]

(و هر کس دینی جز اسلام بجوید، هرگز از او پذیرفته نمی شود و او در آخرت از زیان کاران است).

و نیز رسول خدا ﷺ می فرماید: ((وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ، لاَ يَسْمَعُ بِي أَحَدٌ مِنْ هَذِهِ الأُمَّةِ يَهُودِيٌّ وَلاَ نَصْرَانِيٌّ ثُمَّ يَمُوتُ وَلَمْ يُؤْمِنْ بِالَّذِي أُرْسِلْتُ بِهِ إِلاَّ كَانَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ)). مسلم.

ترجمه: بخدا سوگند هر یهودی و مسیحی ای که از این امت آوازه دعوت مرا بشنود و ایمان نیاورد، دوزخی است.

رسالت محمدی عام و شامل جن و انس می باشد. خداوند به نقل از گروه جن ها می فرماید: ﴿يَاقَوْمَنَا أَجِيبُوا دَاعِي اللَّهِ﴾ [أحقاف:۳۱]

(ای قوم ما – دعوت- دعوتگر الهی را بپذیرید).

و همچنین می فرماید:

﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلاَّ كَافَّةً لِلنَّاسِ بَشِيراً وَنَذِيراً﴾ [سبأ:۲۸]

(و تو را برای همه مردمان جز مژده آور و هشدار دهنده نفرستادیم).

رسول الله ﷺ می فرماید: ((فُضِّلْتُ عَلَى الأَنْبِيَاءِ بِسِتٍّ: أُعْطِيْتُ جَوَامِعَ الْكَلِمِ، وَنُصِرْتُ بِالرُّعْبِ، وَأُحِلَّتْ لِيَ الْغَنَائِمُ، وَجُعِلَتْ لِيَ الأَرْضُ طَهُوْرًا وَمَسْجِدًا، وَأُرْسِلْتُ إِلَى الْخَلْقِ كَافَّةً، وخُتِمَ بِيَ النَّبِيُّوْنَ)). مسلم.

ترجمه: در شش چیز بر سایر انبیاء برتری داده شدم. کلمات مختصر و پر معنا به من عنایت شده است و با ترسیدن دشمنان از من یاری شدم. غنایم جنگی برایم حلال شد. زمین برایم پاك و مسجد قرار داده شد، و بسوی همه مردم فرستاده شدم و سلسله پیامبران با من به پایان رسید.

ج . آثار ایمان به پیامبران:

۱ . پی بردن به رحمت خداوند و عنایت او به بندگانش، که پیامبران را بسوی ایشان فرستاد تا آنها را به راه راست هدایت کنند و چگونگی عبادت خدا را به آنها بیاموزند. چرا که این کار از عقل بشر ساخته نیست. خداوند در مورد محمد ﷺ می فرماید: ﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلاَّ رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾ [أنبياء:۱۰۷]

(و تو را جز مایه رحمت برای جهانیان نفرستاده ایم).

۲ . سپاس و تشکر از خدا به پاس این نعمت بزرگ .

۳ . دوست داشتن تمامی پیامبران و تعظیم و تجلیل از آنها، آنگونه که شایسته آن هستند، چرا که آنها برای عبادت خدا و تبلیغ رسالت و نصیحت بندگان قیام نمودند.

٤ . پذیرفتن دستوراتی که پیامبران از نزد خدا آورده اند، و عمل به آنها. تا خیر و هدایت سعادت دنیا و آخرت نصیب مسلمانان شود. چنانکه خداوند می فرماید: ﴿ فَمَنْ اتَّبَعَ هُدَايَ فَلاَ يَضِلُّ وَلاَ يَشْقَى﴾ [طه:۱۲۳]

(هر کس که از هدایت من پیروی کند گمراه و بدبخت نمی شود و هر کس از یاد من روی برگرداند، زندگی تنگ و گرفته ای خواهد داشت).

ایمان به قیامت:

الف - یعنی باور قطعی به اینکه بدون هیچ شك و تردیدی روز قیامت خواهد آمد. و باید خود را برای آن آماده کرد.

و همچنین باید به نشانه های قیامت و مراحلی که قبل از آن می آیند، ایمان داشت. و به مردن و عذاب قبر و نعمت هایش و دمیدن در صور و بیرون شدن مردم از قبر و هول و هراس محشر و گشودن نامه های اعمال و نصب میزان و پل صراط و حوض و شفاعت و بهشت و نعمتهای آن که بزرگترین آنها دیدار خداست و دوزخ و عذابهایش که شدیدترین آن، محرومیت از ملاقات پروردگار می باشد ایمان داشته باشیم.

ب - اهمیت دادن قرآن به این رکن ایمان و حکمت آن:

قرآن کریم به یادآوری و ذکر روز قیامت اهمیت داده و در مواضع متعدد و مناسبتهای مختلف از آن سخن بمیان آورده و به شیوه های مختلف بلاغی وقوع حتمی آنرا بیان داشته است. تا جائی که ایمان به خود را با ایمان به قیامت پیوند داده و فرموده است: ﴿ذَلِکَ یُوعَظُ بِهِ مَنْ کَانَ مِنْکُمْ یُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْیَوْمِ الاَخِرِ﴾ [بقره:۲۳۲]

(این - حکمی است- که هر کس از شما که به خدا و روز قیامت ایمان دارد، به آن پند داده می شود).

و نکته دیگری که بیانگر اهمیت دادن قرآن به مساله قیامت است. کثرت یادآوری قرآن از قیامت می باشد. تا جائی که در هر صفحه آن سخن از آخرت و احوال آن بمیان آمده است. و بخاطر اهمیت این روز، خداوند نامهای متعددی بر آن نهاده که بیانگر وقوع حتمی آن می باشند. مانند: الحاقه، الواقعه و القیامه (رخداد حتمی و اتفاق بوقوع پیوستنی و روز بپا خواستن مردگان) و بعضی از نامهای قیامت دلالت بر هول و هراس و سختی آن روز دارند. مانند: الغاشیه (قیامت)، الطامه(روز رستاخیز)، الصاخه(بانگ گوش فرسا) و القارعه (فرو کوبنده).

و نامهای دیگر روز قیامت در قرآن: یوم الدین، یوم الحساب، یوم الجمعه، یوم الخلود، یوم الخروج، یوم الحسره و یوم التناد نیز ذکر شده است .

و اما حکمت توجه فوق العاده قرآن به این رکن ایمان بدینجهت است که ایمان به آخرت آثار مثبتی در توجیه انسان و التزام او به عمل صالح و تقوی و پرهیزگاری دارد.

روش بیان قرآن که ایمان به روز قیامت و عمل نیک را به یکدیگر ربط می دهد، بیانگر همین نکته می باشد. چنانکه خداوند می فرماید: ﴿إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الآخِرِ﴾ [توبه:۱۸]

(فقط کسی مسجدهای خدا را آباد می کند که به خداوند و روز قیامت ایمان داشته باشد).

و هم چنین می فرماید: ﴿وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالآخِرَةِ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَهُمْ عَلَى صَلاَتِهِمْ يُحَافِظُونَ﴾ [أنعام:۹۲]

(و کسانی که به آخرت ایمان دارند به آن - نیز- ایمان می آورند و آنان بر نمازشان پایبندند).

و ممکن است یکی دیگر از حکمتهای یادآوری زیاد روز قیامت، فراموشی و غفلت انسانها از آن بخاطر روی آوردن به دنیا و چشم دوختن به متاع آن می باشد. ایمان به روز قیامت است که محبت بیش از حد دنیا را در انسان کاهش می دهد و سبب رقابت در طاعت و بندگی می شود. خداوند می فرماید: ﴿يَاأَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ انفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ اثَّاقَلْتُمْ إِلَى الأَرْضِ أَرَضِيتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنْ الآخِرَةِ فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الآخِرَةِ إِلاَّ قَلِيلٌ﴾ [توبه:۳۸]

(ای مؤمنان! شما را چه شده است که وقتی به شما گفته می شود: در راه خدا - برای جهاد- رهسپار شوید، سستی می کنید و دل بدنیا میدهید؟ آیا به جای آخرت به زندگانی دنیا خشنود گشته اید؟ پس - بدانید که- متاع زندگی دنیا در - برابر- آخرت جز اندکی نیست).

بنابراین، پس از ایمان به خدا، هیچ چیزی جز ایمان به روز آخرت، نمی تواند انسان را سبک بال کند. و باید ایمان داشت که از هر متاع و کالا و لذتی که در دنیا به خاطر اطاعت از دستورات خدا چشم پوشی کند در قیامت بجای آن، کالای بهتر و با ارزش تری به او عنایت خواهد شد.

یکی دیگر از فواید ایمان به آخرت این است که انسان یقین پیدا می کند که هیچ خوشی دنیا با خوشی آخرت و هیچ عذاب دنیا (در راه خدا) با عذاب آخرت قابل مقایسه نیست.

ج . آزمایش قبر:

ایمان داریم به این که مرگ حق است. چنانکه خداوند می فرماید: ﴿قُلْ يَتَوَفَّاكُمْ مَلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ ثُمَّ إِلَى رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ﴾ [سجده:۱۱]

(بگو: فرشته مرگ که بر شما گمارده شده است، جانتان را می ستاند، آنگاه نزد پروردگارتان بازگردانده می شوید).

و این امری مشهود است که همه آن را می دانند و هیچ شك و تردیدی در آن وجود ندارد.

و ایمان داریم که هر کس بمیرد یا کشته شود و یا به نحوی از بین برود در واقع عمرش تمام شده و چیزی از آن کاسته نشده است. خداوند می فرماید: ﴿وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ لاَ يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلاَ يَسْتَقْدِمُونَ﴾ [أعراف:۳٤]

(و هنگامی که زمان - محدود- آنان به سر رسید، نه یك لحظه درنگ کنند، و نه پیشی گیرند).

و به آزمایش قبر ایمان داریم که عبارت است از بازخواست میت بعد از دفن درباره پروردگار، دین و پیامبرش. و در آنجا خداوند مومنان را به گفتار استوار (توحید) ثابت می گرداند و مومن می گوید: پروردگارم خدا، دینم اسلام و پیامبرم محمد ﷺ است.

و ستمکاران را در سخن گفتن، گمراه میکند و کافر می گوید: وای،وای نمی دانم. همچنین منافق و بدگمان می گوید: نمی دانم، می شنیدم که مردم چیزهایی می گفتند. من هم همانها را می گفتم .

به عذاب قبر و خوشی های آن ایمان داریم و گفتنی است که عذاب قبر شامل انسانهای ستمکار، منافق و کافر می شود. چنانکه خداوند می فرماید: ﴿وَلَوْ تَرَى إِذْ الظَّالِمُونَ فِي غَمَرَاتِ الْمَوْتِ وَالْمَلاَئِكَةُ بَاسِطُوا أَيْدِيهِمْ أَخْرِجُوا أَنفُسَكُمْ الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنتُمْ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ وَكُنتُمْ عَنْ آيَاتِهِ تَسْتَكْبِرُونَ﴾ [أنعام:۹۳]

(و چون ببینی، آنگاه که ستمکاران در سکرات مرگ اند و فرشتگان دستان خود را گشاده اند - وحی گویند- جان هایتان را بیرون آورید - شگفت زده می شوی- امروز به - سزای- آنچه به ناحق بر خداوند می گفتید و - به سزای آن که- از آیاتش سرکشی می کردید، به عذاب خوار کننده کیفر داده می شوید).

و درباره آل فرعون می فرماید: ﴿النَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ﴾ [غافر:٤٦]

(آنان صبح و شام بر آتش دوزخ عرضه می شوند و روزی که قیامت برپا شود، (گوییم:) فرعونیان را به سخت ترین عذاب در آورید].

و در صحیح مسلم از زید بن ثابت روایت است که رسول خدا فرمود: ((فَلَوْلاَ أَنْ لا تَدَافَنُوا لَدَعَوْتُ اللهَ أَنْ يُسْمِعَكُمْ مِنْ عَذَابِ القَبْرِ الذِي أَسْمَعُ مِنْهُ)).

ترجمه: اگر این ترس وجود نداشت که مردگانتان را دفن نمی کردید دعا می کردم خداوند، عذاب قبر را به شما بشنواند همانطور که من می شنوم. سپس رو به ما کرد و فرمود: از عذاب آتش به خدا پناه ببرید. آنگاه فرمود: از عذاب قبر به خدا پناه ببرید. حاضرین نیز گفتند ما از عذاب آتش و عذاب قبر به خدا پناه می بریم.

و اما شادیهای قبر نصیب مومنین صادق می گردد. خداوند می فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمْ الْمَلاَئِكَةُ أَلاَّ تَخَافُوا وَلاَ تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ﴾ [فصلت:٣٠]

(کسانی که گفتند: پروردگارمان خداست، آنگاه استوار ماندند، فرشتگان (با این پیام) بر آنان فرو می آیند که: نترسید و اندوهگین نباشید و بشارت باد شما را به بهشتی که وعده داده می شدید خوش باشید).

و هم چنین می فرماید: ﴿فَلَوْلاَ إِذَا بَلَغَتْ الْحُلْقُومَ ۞ وَأَنْتُمْ حِينَئِذٍ تَنظُرُونَ ۞ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْكُمْ وَلَكِنْ لاَ تُبْصِرُونَ ۞ فَلَوْلاَ إِنْ كُنتُمْ غَيْرَ مَدِينِينَ ۞ تَرْجِعُونَهَا إِنْ كُنتُمْ صَادِقِينَ ۞ فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنْ الْمُقَرَّبِينَ ۞ فَرَوْحٌ وَرَيْحَانٌ وَجَنَّةُ نَعِيمٍ﴾ [واقعه:٨٣-٨٩]

(پس هنگامی که - جان ها- به حلقومها می رسد. و شما آنگاه می نگرید. و ما از شما به او - محتضر-) نزدیکتریم ولی شما نمی بینید. پس اگر جزا نمی بینید. و راستگو هستید آن - جان- را برگردانید. اما اگر از نزدیکان - درگاه الهی- باشد . آسایش و گلهای خوشبو و باغ پرناز و نعمت دارد).

براء بن عازب ﷺ می گوید: رسول خدا ﷺ در مورد مؤمنی که در قبر، به آن دو فرشته، پاسخ مثبت می دهد فرمود: ((يُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ أَنْ صَدَقَ عَبْدِي فَأَفْرِشُوهُ مِنَ الْجَنَّةِ وَأَلْبِسُوهُ مِنَ الْجَنَّةِ وَافْتَحُوا لَهُ بَابًا إِلَى الْجَنَّةِ، قَالَ: فَيَأْتِيهِ مِنْ رَوْحِهَا وَطِيبِهَا وَيُفْسَحُ لَهُ فِي قَبْرِهِ مَدَّ بَصَرِهِ)). [أحمد وأبو داود].

ترجمه: پس ندایی از آسمان به گوش می رسد که: بنده من راست می گوید. برای او از بهشت فرش بیاورید و لباس بهشتی بر تنش کنید و دری از بهشت برای او بگشائید. رسول خدا فرمود: آنگاه رایحه های دل انگیزی به مشامش می رسد وقبرش تا جائی که چشم کار می کند وسعت می یابد.

باید گفت در مورد عذاب قبر و نعمت های آن و سوال و جواب دو فرشته، احادیث صحیح و متعددی از رسول خدا ﷺ روایت شده است. بنابراین، اعتقاد به آزمایش قبر و ایمان آوردن به آن بر ما واجب است. البته از کیفیت آن سخن به میان نمیاوریم،چرا که این قضیه متعلق به جهان دیگر است که عقل را در آن مجالی نیست.

و این امور غیبی از طریق حس قابل درك نیستند. چرا که اگر حس، آنها را درك می کرد فایده ایمان به غیب و فلسفه تکلیف از میان می رفت و آنطور که رسول الله ﷺ فرمود، مردم مردگان خود را دفن نمی کردند و چون این حکمت در مورد حیوانات، منتفی است آنها عذاب قبر را می شنوند و درك می کنند.

د . نشانه های قیامت:

یکی از مواردی که ایمان به آن واجب می باشد این است که باور داشته باشیم قیامت حتما خواهد آمد و هیچ شك و تردیدی در آن نیست. و زمان آنرا به جز خدا کسی نمی داند، و آن را از همه مردم پنهان کرده است. خداوند می فرماید:

﴿يَسْأَلُونَكَ عَنْ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي لاَ يُجَلِّيهَا لِوَقْتِهَا إِلاَّ هُوَ ثَقُلَتْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضِ لاَ تَأْتِيكُمْ إِلاَّ بَغْتَةً يَسْأَلُونَكَ كَأَنَّكَ حَفِيٌّ عَنْهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لاَ يَعْلَمُونَ﴾ [أعراف:۱۸۷]

(درباره قیامت از تو می پرسند که چه وقت فرا خواهد رسید؟ بگو: فقط پروردگارم از آن آگاه است و هر کس جز او نمی تواند در وقت خود، آنرا پدید می سازد - اطلاع از قیامت- برای - ساکنان- آسمانها و زمین دشوار است. قیامت، ناگهانی بوقوع می پیوندد. -چنان- از تو می پرسند که گویا از قیامت با خبری؟ بگو: علم آن فقط نزد خداوند است، ولی بیشتر مردم نمی دانند).

و در مورد نشانه های قیامت احادیث بسیاری از رسول خدا ﷺ نقل شده است .

و همچنین احادیثی از رسول خدا ﷺ در مورد نشانه های صغرای قیامت به اثبات رسیده که بیشتر آنها پیرامون فساد مردم و ظهور فتنه بین آنها و انحرافشان از راه راست می باشد.

و از علامات صغرا آنست که در حدیث جبریل عليه السلام آمده است: ((قَالَ: فَأَخْبِرْنِي عَنْ أَمَارَتِهَا. قَالَ: أَنْ تَلِدَ الأَمَةُ رَبَّتَهَا . وَأَنْ تَرَى الحُفَاةَ العُرَاةَ، العَالَةَ، رُعَاءَ الشَّاءِ، يَتَطَاوَلُونَ فِي البُنْيَانِ)). متفق عليه.

ترجمه: مرد گفت: پس مرا از نشانه های قیامت با خبر ساز، رسول خدا ﷺ فرمود: یکی اینکه کنیز آقایش را به دنیا آورد (یعنی مادران را خوار و حقیر می شمارند و خود را سرور آنها می دانند). و دیگر اینکه پا برهنگان و بینوایان و چوپانان را ببینی که در برافراشتن کاخ و ساخت و ساز، بر یکدیگر پیشی می گیرند.

همچنین مردی از رسول خدا ﷺ پرسید: ((مَتَى السَّاعَةُ ؟ فَقَالَ: إِذَا ضُيِّعَتِ الأَمَانَةُ فَانْتَظِرِ السَّاعَةَ . قَالَ: وَكَيْفَ إِضَاعَتُهَا ؟ قَالَ: إِذَا أُسْنِدَ الأَمْرُ لِغَيْرِ أَهْلِهَا فَانْتَظِرِ السَّاعَةَ)). بخاری.

ترجمه: قیامت کی می آید؟ فرمود: هرگاه امانتداری از میان برود منتظر قیامت باش. پرسید: از بین رفتن آن چگونه خواهد بود؟ فرمود: هرگاه کارها به دست افراد نا اهل سپرده شد، در انتظار قیامت باش.

علامات کبرای قیامت: و آن علاماتی است که نزدیك قیامت، یکی پس از دیگری به وقوع خواهند پیوست. مانند مهره هایی که از نخ قطع شده یکی بعد از دیگری بیفتد.

باید گفت حدود ده مورد از نشانه های بزرگ قیامت در احادیث صحیح بیان شده است که از جمله آنها حدیث حذیفه می باشد. او می گوید: با یکدیگر سخن می گفتیم که رسول خدا ﷺ به ما نگاه کرد و فرمود: چه میگویید؟ گفتند: از قیامت سخن می گوییم. فرمود: قیامت برپا نمی شود مگر این که ده علامت، قبل از آن آشکار گردد. آنگاه درباره دودی که بر می خیزد ، دجال و حیوانی که بیرون می شود، طلوع آفتاب از مغرب، نازل شدن عیسی بن مریم، قوم یأجوج و مأجوج، سه خسف(فرو رفتن در زمین و ناپدید شدن) یکی در مشرق و دیگری در مغرب و سومی در شبه جزیره عربستان پدید خواهد آمد و آخرین علامت آن ، خارج شدن آتشی از یمن است که مردم را به سوی محشر سوق می دهد.(مسلم)

ما در اینجا بعنوان مثال در باره یکی از انها که ظهور دجال است سخن خواهیم گفت:

دجال منشأ کفر و گمراهی و سرچشمه فتنه و ترس و بیم است. بنابراین، همه انبیاء، اقوام خود را از او بیم داده و بر حذر داشته اند. و او را به گونه ای توصیف کرده اند که همه آن را بشناسند و رسول خدا ﷺ نیز امت اش را از دجال بر حذر داشته و او را طوری توصیف کرده که هر بیننده ای وی را بشناسد.

چنانکه انس ﷺ می گوید: رسول خدا ﷺ فرمود: «مَا مِنْ نَبِيٍّ إِلاَّ قَدْ أَنْذَرَ أُمَّتَهُ الأَعْوَرَ الكَذَّابَ أَلاَ إِنَّهُ أَعْوَرُ وَإِنَّ رَبَّكُمْ لَيْسَ بِأَعْوَرَ مَكْتُوبٌ بَيْنَ عَيْنَيْهِ ك َ ف َ ر َ». متفق علیه.

ترجمه: هیچ پیامبری نیامده مگر اینکه امت خود را از مرد یك چشم دروغگو ترسانیده است، بلی او یك چشم است و خدای شما یك چشم نیست و افزود که در حد فاصل چشمانش حروف ك، ف، ر (کفر) نوشته شده یعنی کافر.

و از ابوهریره ﷺ روایت است که رسول الله ﷺ فرمودند: «أَلاَ أُحَدِّثُكُمْ حَدِيثاً عَنِ الدَّجَّالِ مَا حَدَّثَ بِهِ نَبِيٌّ قَوْمَهُ: إِنَّهُ أَعْوَرُ، وَإِنَّهُ يَجِيءُ مَعَهُ بِمِثْلِ الجَنَّةِ وَالنَّارِ، فالَّتِي يَقُولُ إِنَّهَا الجَنَّةُ هِيَ النَّارُ، وَإِنِّي أُنْذِرُكُمْ كَمَا أَنْذَرَ بِهِ نُوحٌ قَوْمَه». متفق علیه.

ترجمه: آیا به شما خبری از دجال نگویم که هیچ پیامبری آن را به قومش نگفته است؟ آنگاه فرمود: دجال دارای یك چشم است و در حالی می آید که چیزی مانند بهشت و دوزخ (آتش) همراه دارد، پس آنچه را که بهشت می داند در حقیقت آتش است و من شما را از آن بر حذر می دارم، آنچنان که نوح قوم خود را از آن بر حذر داشت.

باید گفت که هیچ گریزی از فتنه دجال وجود ندارد مگر با علم و عمل. مراد از علم این است که بدانیم دجال دارای جسم است. می خورد و می آشامد، و فردی پست و ناتوان و کور است که در میان دو چشمش کلمه کفر نوشته شده است.

مراد از عمل این است که در تشهد آخر هر نماز از فتنه دجال به خدا پناه ببریم و ده آیه اول سوره کهف را حفظ کنیم، زیرا که رسول خدا ﷺ فرمود: «مَنْ حَفِظَ

عَشْرَ آيَاتٍ مِنْ أَوَّلِ سُوْرَةِ الْكَهْفِ عُصِمَ مِنَ الدَّجَّالِ». (مسلم)

(هر کس ده آیه ی اول سوره کهف را حفظ کند، خداوند او را از فتنه دجال محفوظ نگه می دارد.)

هـ. بعثت (برخواستن مردگان از قبور):

ایمان به زنده شدن دوباره از قرآن و سنت و عقل و فطرت سالم به ثبوت رسیده است. پس ما به طور یقین ایمان داریم که هر کس در قبرهاست، برانگیخته خواهد شد. و ارواح به اجساد خود بر خواهند گشت و همه مردم در پیشگاه پروردگارشان حاضر می شوند. چنانکه خداوند می فرماید: ﴿ثُمَّ إِنَّكُمْ بَعْدَ ذَلِكَ لَمَيِّتُونَ ۞ ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تُبْعَثُونَ﴾ [مؤمنون:۱۵-۱۶]

(سپس شما پس از این خواهید مرد . آنگاه قطعاً شما روز قیامت برانگیخته می شوید).

و رسول اکرم ﷺ نیز می فرماید: ((يُحْشَرُ النَّاسُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حُفَاةً عُرَاةً غُرْلاً)). [متفق علیه].

(مردم، روز قیامت پا برهنه، عریان و ختنه نشده حشر خواهند شد).

و مسلمانان نیز بر صحت این مطلب، اجماع دارند و حکمت نیز اقتضا می کند که چنین بازگشتی وجود داشته باشد تا خداوند مردم را بر اساس تکلیفی که از طریق پیامبران به آنها رسیده است، پاداش دهد. چنانکه خداوند می فرماید: ﴿أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لاَ تُرْجَعُونَ﴾ [مؤمنون:۱۱۵]

(آیا پنداشتید که ما شما را بیهوده آفریده ایم، و شما به سوی ما باز گردانده نمی شوید؟).

ولی کافران، زنده شدن دوباره را انکار کرده و قبول ندارند و به نظر آنها این، غیر ممکن است، در حالیکه شرع و حس و عقل، این نظر را باطل می داند.

دیدگاه شرع: خداوند می فرماید: ﴿زَعَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ لَنْ يُبْعَثُوا قُلْ بَلَى وَرَبِّي لَتُبْعَثُنَّ ثُمَّ لَتُنَبَّؤُنَّ بِمَا عَمِلْتُمْ وَذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ﴾ [تغابن:۷]

(کافران گمان بردند که برانگیخته نخواهند شد، بگو: آری، سوگند به پروردگارم به یقین برانگیخته خواهید شد، آنگاه از - حقیقت- آنچه می کردید، به شما خبر

خواهند داد، و این کار برای خدا آسان است).

و همچنین می فرماید: ﴿وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لاَ تَأْتِينَا السَّاعَةُ قُلْ بَلَى وَرَبِّي لَتَأْتِيَنَّكُمْ عَالِمِ الْغَيْبِ لاَ يَعْزُبُ عَنْهُ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلاَ فِي الأَرْضِ وَلاَ أَصْغَرُ مِنْ ذَلِكَ وَلاَ أَكْبَرُ إِلاَّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ﴾ [سبأ:۳]

(و کافران گفتند: قیامت به سراغ ما نخواهد آمد، بگو: آری، سوگند به پروردگارم که دانای غیب است، قیامت برپا خواهد شد).

گفتنی است که در این مورد همه کتابهای آسمانی اتفاق نظر دارند.

دیدگاه حس: خداوند زنده شدن دوباره را در همین دنیا به بندگانش نشان داده است. از جمله پنج مورد از آنها را در سوره بقره ذکر کرده که اولین آن چنین است:

قوم موسی علیه السلام به او گفتند: هرگز به تو ایمان نمی آوریم تا این که خدا را آشکارا نبینیم. پس خداوند آن ها را میراند و سپس زنده کرد و در این باره خداوند خطاب به بنی اسرائیل می فرماید: ﴿وَإِذْ قُلْتُمْ يَامُوسَى لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى نَرَى اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْكُمْ الصَّاعِقَةُ وَأَنْتُمْ تَنظُرُونَ ۞ ثُمَّ بَعَثْنَاكُمْ مِنْ بَعْدِ مَوْتِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾ [بقره:۵۵-۵۶]

(و هنگامی که گفتید: ای موسی! هرگز به تو ایمان نمی آوریم مگر آن که خدا را آشکارا ببینیم، پس صاعقه ای شما را در حالی که می نگریستید، فراگرفت. آنگاه شما را پس از مردنتان برانگیختیم تا اینکه سپاس گزاری کنید).

مثال دوم: داستان کشته شدن مردی از بنی اسرائیل که آنها درباره او مجادله کردند. پس خداوند امر نمود تا گاوی بکشند و پاره ای از گوشت آن را به بدن مقتول بزنند، آنگاه زنده خواهد شد و داستان کشته شدن خود را توضیح خواهد داد.

مثال سوم: داستان قومی که از دیار خود خارج شدند تا از مرگ فرار کنند. ولی خداوند آن ها را میراند و سپس زنده نمود .

مثال چهارم: سرگذشت مردی که از کنار شهری عبور می کرد و چون زنده شدن آنها را محال می دانست، خداوند او را صد سال میراند و دوباره زنده کرد.

مثال پنجم: جریان پرنده هائی که توسط ابراهیم علیه السلام کشته و قطعه قطعه شدند. سپس به امر خدا زنده گشتند.

و اما از دیدگاه عقل به دو دلیل امکان بعثت وجود دارد:

۱ . نخست اینکه خداوند، آسمان ها، زمین و آنچه در آنها می باشد را برای نخستین بار آفریده است و کسی که قادر به آغاز آفرینش باشد یقیناً از بازگردانیدن آن ناتوان نخواهد

بود. چنانکه خداوند می فرماید:﴿وَهُوَ الَّذِی یَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ یُعِیدُهُ ﴾ [روم:۲۷]

(و اوست کسی که آفرینش را آغاز کرده است و سپس آن را باز می گرداند).

همچنین خداوند در جواب کسی که زنده شدن استخوان پوسیده را انکار کرد فرمود: ﴿قُلْ یُحْیِیهَا الَّذِی أَنشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَهُوَ بِکُلِّ خَلْقٍ عَلِیمٌ﴾ [یس:۷۹]

(بگو: کسی آنها را زنده می کند که نخستین بار آنها را آفریده است، و او به هر آفرینشی داناست).

۲ . دوم این که خداوند زمین مرده و بایر را که درخت و گیاهی در آن وجود ندارد با نزول باران، زنده و سرسبز و خرم می نماید. پس کسی که به زنده کردن آن پس از مردن تواناست، یقیناً بر زنده کردن مردگان نیز توانا خواهد بود. چنانکه می فرماید: ﴿وَنَزَّلْنَا مِنْ السَّمَاءِ مَاءً مُبَارَکًا فَأَنْبَتْنَا بِهِ جَنَّاتٍ وَحَبَّ الْحَصِیدِ۞وَالنَّخْلَ بَاسِقَاتٍ لَهَا طَلْعٌ نَضِیدٌ ۞ رِزْقًا لِلْعِبَادِ وَأَحْیَیْنَا بِهِ بَلْدَةً مَیْتًا کَذَلِکَ الْخُرُوجُ﴾ [ق: ۹-۱۱]

(و از آسمان آب پربرکتی نازل کردیم و بوسیله آن، باغها و دانه هایی درو کردنی رویاندیم و درختان بلند خرما را که میوه هایی انباشته بر هم دارد . - همه اینها- بمنظور روزی رسانیدن به بندگان است. ما بوسیله باران، سرزمین مرده را زنده کردیم. -آری زنده شدن مردگان- و از گورها سربرآوردن آنها، چنین است).

و هر عاقلی می داند کسی که توانائی کارهای بزرگ را دارد، در انجام کارهای کوچکتر تواناتر خواهد بود.

و خداوند سبحان که آسمان ها و زمین را با این همه عظمت و گستردگی و شگفتی های فراوان آفریده است، بر زنده کردن استخوانی پوسیده تواناتر است. خداوند می فرماید:

﴿أَوَلَیْسَ الَّذِی خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضَ بِقَادِرٍ عَلَی أَنْ یَخْلُقَ مِثْلَهُمْ بَلَی وَهُوَ الْخَلاَّقُ الْعَلِیمُ﴾ [یس:۸۱]

(آیا کسی که آسمانها و زمین را آفریده است،قدرت ندارد - انسانهای مرده را دوباره- مانند خوشان بیافریند؟ بلی -می تواند- چرا که او آفریدگار بس دانا و تواناست).

و . روز حساب و عرضه اعمال:

ما ایمان داریم که مردم، روز قیامت در پیشگاه پروردگارشان حاضر می شوند. چنانکه خداوند می فرماید: ﴿فَيَوْمَئِذٍ وَقَعَتْ الْوَاقِعَةُ ۞ وَانشَقَّتْ السَّمَاءُ فَهِيَ يَوْمَئِذٍ وَاهِيَةٌ ۞ وَالْمَلَكُ عَلَى أَرْجَائِهَا وَيَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمَانِيَةٌ ۞ يَوْمَئِذٍ تُعْرَضُونَ لاَ تَخْفَى مِنْكُمْ خَافِيَةٌ﴾ [حاقة:۱۵-۱۸]

(پس در آن روز، قیامت بوقوع می پیوندد . آسمان از هم می شکافد و در آن روز، سست و نا استوار می گردد. فرشتگان بر کناره های آسمان قرار می گیرند و در آن روز هشت -تن از فرشتگان- عرش پروردگارت را بر فراز خود برمی دارند . در آن روز، به پیشگاه پروردگارتان عرضه می شوید و چیزی از کارهای پنهانتان مخفی و پوشیده نمی ماند).

و هم چنین می فرماید: ﴿وَعُرِضُوا عَلَى رَبِّكَ صَفًّا لَقَدْ جِئْتُمُونَا كَمَا خَلَقْنَاكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ بَلْ زَعَمْتُمْ أَلَّنْ نَجْعَلَ لَكُمْ مَوْعِدًا﴾ [کهف:٤٨]

(و مردم، صف صف به پروردگارت عرضه می شوند. - خداوند می فرماید:- به راستی چنان نزد ما آمدید که نخستین بار شما را آفریده بودیم).

همچنین ما به محاسبه اعمال نیز ایمان داریم و معتقدیم که خداوند از بندگانش حساب می گیرد. چنانکه در قرآن و در حدیث آمده است خداوند با بنده مؤمن خلوت می کند و گناهانش را به او یادآوری می نماید.

ولی نیازی به محاسبه اعمال کفار وجود ندارد،چرا که آنها فاقد اعمال نیك اند. بلکه فقط گناهانشان شمرده می شود و از آنها اعتراف می گیرند. چنانکه خداوند می فرماید: ﴿يَاأَيُّهَا الإِنسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَى رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلاَقِيهِ ۞ فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ ۞ فَسَوْفَ يُحَاسَبُ حِسَابًا يَسِيراً ۞ وَيَنقَلِبُ إِلَى أَهْلِهِ مَسْرُورًا ۞ وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ وَرَاءَ ظَهْرِهِ ۞ فَسَوْفَ يَدْعُو ثُبُورًا ۞ وَيَصْلَى سَعِيراً ۞ إِنَّهُ كَانَ فِي أَهْلِهِ مَسْرُورًا ۞ إِنَّهُ ظَنَّ أَنْ لَنْ يَحُورَ ۞ بَلَى إِنَّ رَبَّهُ كَانَ بِهِ بَصِيراً﴾ [انشقاق:٦-١٥]

(ای انسان، تو به تلاش فراوان و رنج بسیار بسوی پروردگارت رهسپاری و سرانجام او را ملاقات خواهی کرد. کسی که نامه اعمالش به دست راستش داده شود، با او حساب ساده و آسانی خواهد شد و شادمان به سوی خانواده اش برمی گردد . و اما کسی که نامه اعمالش از پشت سر به او داده شود، آرزوی نابودی می کند – و سرانجام– وارد دوزخ می شود و می سوزد. این بدان جهت است که در میان خانواده و کسان خود – در دنیا– مسرور بوده است. و گمان می کرده که هرگز – برای حساب بسوی خدا– باز نخواهد گشت. آری، پروردگارش او را دیده و از – احوال و افعالش– آگاه بوده است).

بخاری به نقل از عایشه رضی الله عنها از رسول خدا ﷺ روایت میکند که فرمود:

((لَيْسَ أَحَدٌ يُحَاسَبُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلاَّ هَلَكَ . فَقُلْتُ: يارَسُوْلَ الله، أَلَيْسَ قَدْ قَالَ اللهُ تَعَالَى : «مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِه فَسَوْفَ يُحَاسَبُ حِسَابَاً يَسِيراً»فَقَالَ رَسُوْلُ الله: إِنَّمَا ذَلِكَ الْعَرْضُ، وَلَيْسَ أَحَدٌ يُنَاقَشُ الْحِسَابَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلاَّ عُذِّبَ)). بخاری.

ترجمه: هر کس که روز قیامت محاسبه شود، هلاك می گردد. گفتم: ای رسول خدا! آیا خداوند متعال نفرموده است که هر کس نامه اعمالش به دست راستش داده شود، زود و به آسانی می گردد. رسول خدا ﷺ فرمود: این عرضه اعمال است. و هر کس که در روز قیامت مورد محاسبه قرار گیرد، گرفتار عذاب می شود.

و ایمان داریم که نامه اعمال هر انسانی را به او می دهند، و هنگامی که مؤمن، نامه اعمالش را دریافت می کند، شاد می شود و خوشحالی خود را آشکار می سازد. خداوند می فرماید: ﴿فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَيَقُولُ هَاؤُمْ اقْرَءُوا كِتَابِيَ ۞ إِنِّي ظَنَنتُ أَنِّي مُلاَقٍ حِسَابِيَ ۞ فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ ۞ فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ ۞ قُطُوفُهَا دَانِيَةٌ ۞ كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا أَسْلَفْتُمْ فِي الأَيَّامِ الْخَالِيَةِ﴾ [حاقه:۱۹-۲٤]

ترجمه: (و اما کسی که نامه اعمالش به دست راست داده شود، – فریاد شادی سر می دهد– و می گوید: – ای اهل حشر– نامه اعمال مرا بگیرید و بخوانید. من یقین داشتم که من به حساب و کتاب روبرو می شوم . پس او در زندگی پسندیده ای بسر خواهد برد. در بهشتی برین . که میوه هایش در دسترس است . و به آنها گفته می

شود به -پاداش- آنچه در روزگارانِ گذشته پیش فرستاده اید، گوارا بخورید و بیاشامید).

ولی نامه اعمال کافر و منافق و گمراه، از پشت به دست سر به دست چپشان داده می شود. آنها خود را نفرین می کنند و افسوس می خورند. چنانکه خداوند می فرماید: ﴿وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ فَيَقُولُ يَالَيْتَنِي لَمْ أُوتَ كِتَابِيَ ۞ وَلَمْ أَدْرِ مَا حِسَابِيَ ۞ يَالَيْتَهَا كَانَتْ الْقَاضِيَةَ ۞ مَا أَغْنَى عَنِّي مَالِيَ ۞ هَلَكَ عَنِّي سُلْطَانِيَ ۞ خُذُوهُ فَغُلُّوهُ ۞ ثُمَّ الْجَحِيمَ صَلُّوهُ﴾ [حاقه:۲۵-۳۱]

(و اما کسی که نامه اعمالش به دستِ چپش داده شود، می گوید: ای کاش کارنامه ام به من داده نمی شد . و نمی دانستم حسابِ-کارم- چیست . ای کاش مرگ یکسره کننده بود . مالم در حق من سودی نبخشید . فرمانروایام از - دستِ- من رفت. خدا به فرشتگان دستور می دهد او را بگیرید و به غل و زنجیر بکشید. سپس او را به دوزخ افکنید).

ز . ترازوی اعمال و پل صراط:

همچنین به ترازوی اعمال ایمان داریم، زیرا خداوند می فرماید: ﴿وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلاَ تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكَفَى بِنَا حَاسِبِينَ﴾ [أنبياء:٤٧]

(و ما ً در روز قیامت ترازوهای عدالت را در میان خواهیم نهاد و به هیچکس ستمی نخواهد شد. و اگر - عمل نیك یا بدی- همموزنِ به اندازه دانه خردل انجام گرفته باشد، آن را حاضر و آماده می سازیم).

و در حدیث آمده که ترازوی اعمال دارای دو کفه است که قابل مشاهده می باشند.

گفتنی است که موازنه اعمال پس از اتمام محاسبه آنها انجام می گیرد. چرا که محاسبه برای مشخص کردن تعداد اعمال و موازنه برای مشخص کردن وزن و کیفیت آنها است و پاداش هم بر اساس وزن اعمال داده می شود.

و به پل صراط ایمان داریم. و آن، پلی است که بین بهشت و دوزخ نصب می گردد. مردم از روی آن عبور می کنند و سرعت عبور هر کس بستگی به اعمال اش دارد. برخی با یك چشم به هم زدن و عده ای مانند برق و بعضی مانند وزش باد و گروهی مانند اسبی تیز رو عبور می کنند و بعضی به سرعت شتر سوار و برخی با

دویدن و عده ای با راه رفتن و بعضی با خزیدن از آن می گذرند. گفتنی است که در این میان عده ای بوسیله قلابهائی که در دو طرف پل نصب شده اند، ربوده شده و در دوزخ انداخته می شوند.

باید دانست که هر کس در دنیا بر صراط مستقیم خدا رفته و پایداری کرده است، در آخرت نیز بر پل صراط پایداری خواهد کرد. و کسی که در دنیا از راه راست منحرف شده، بر پل صراط نیز پایداری نخواهد کرد .

شایان ذکر است که در روز قیامت منافقین و مؤمنین نزد پل صراط از هم جدا می شوند. منافقان می مانند و مؤمنان، با شتاب پیشروی می نمایند. و بین آنها دیواری حایل می گردد.

ج . بهشت و دوزخ:

ما به وجود بهشت و دوزخ ایمان داریم و معتقدیم که خداوند بهشت را برای مؤمنان و دوزخ را برای کافران مهیا ساخته است. یعنی بهشت خانه دوستان خدا و دوزخ خانه دشمنان خدا خواهد بود.

چنانکه خداوند می فرماید: ﴿فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا وَلَنْ تَفْعَلُوا فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ ۞ وَبَشِّرْ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الأَنْهَارُ كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رِزْقًا قَالُوا هَذَا الَّذِي رُزِقْنَا مِنْ قَبْلُ وَأُتُوا بِهِ مُتَشَابِهًا وَلَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَهُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾ [بقره:٢٤-٢٥]

(پس اگر- چنین- نکردید . و هرگز نمی توانید - چنین کاری بکنید- پس ترس از آتشی که هیزمش -آتش افروزانش- مردم و سنگها خواهند بود، برای کافران آماده شده است. و به کسانی که ایمان آورده اند و کار شایسته انجام داده اند، مژده بده که آنان باغ هایی دارند که در زیر درختان آن، جویبارها جاری است. هرگاه بعضی از میوه های آن به ایشان عطا شود، گویند: این همان میوه هایی است که قبلا روزی ما شده بود. و برای ایشان میوه های مشابهی - مشابه در شکل و متفاوت در طعم- آورده می شود. همچنین برای آنها در آنجا زنان پاکیزه ای وجود دارد و در آن - بهشت- جاودان خواهند ماند).

قرآن در توصیف بهشت و نعمتهایش و دوزخ و عذابهایش، در مواضع متعددی سخن بمیان آورده است. چنانکه هر جا یادی از بهشت شده، پس از آن ذکری از دوزخ نیز به میان آمده است و عکس آن نیز صادق است. یعنی هر جا از دوزخ سخن گفته، پس از آن ذکری از بهشت به میان آوره است. همچنین در آیات زیادی مردم را بسوی

بهشت فرا خوانده و تشویق نموده است و از دوزخ ترسانیده و بر حذر داشته است.
و اعتقاد راسخ داریم که بهشت و دوزخ آفریده شده و در حال حاضر وجود دارند. چنانکه خداوند درباره بهشت می فرماید: ﴿أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ﴾ [آل عمران:۱۳۳]
(برای پرهیزگاران فراهم دیده شده است).

و در باره دوزخ می فرماید: ﴿أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ﴾ [بقره:۲٤]
(برای کافران آماده شده است).

رسول خدا ﷺ نیز می فرماید: ((إِذَا مَاتَ أَحَدُكُمْ فَإِنَّهُ يُعْرَضُ عليه مقعده بالغداة والعشى، فإن كان من أهل الجنة فمن أهل الجنة، وَإِنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ النَّارِ فَمِنْ أَهْلِ النَّارِ)). بخاری.
ترجمه: هرگاه یکی از شما بمیرد، صبح و شام، جایگاهش به او عرضه می شود. اگر بهشتی باشد، جایگاهش در بهشت و اگر دوزخی باشد، جایگاهش در دوزخ بر او عرضه می گردد .
در این مورد. آیات و روایات زیادی وجود دارد که بر اساس آنها اهل سنت اتفاق نظر دارند که بهشت و دوزخ آفریده شده و هم اکنون وجود دارند. و نیز ایمان داریم که آنها برای همیشه وجود داشته و از بین نخواهد رفت. چنانکه خداوند درباره بهشت می فرماید: ﴿أُكُلُهَا دَائِمٌ وَظِلُّهَا﴾ [رعد:۳۵]
(میوه ها و سایه اش پایدار است).

و رسول خدا ﷺ می فرماید: ((مَنْ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ يَنْعَمُ وَلاَ يَبْأَسُ، وَيَخْلُدُ وَلاَ يَمُوْتُ)). مسلم.
هر کس که وارد بهشت شود از نعمت های آن بهره مند می گردد و درمانده نمی شود و جاودان می ماند و نمی میرد.
همچنین یکی از مواردی که دلالت بر جاودان بودن دوزخ دارد، این سخن خداوند است که می فرماید: ﴿وَلَهُمْ عَذَابٌ مُقِيم﴾ [مائده:۳۷]
(و آنان عذابی پایدار دارند).

و همچنین می فرماید: ﴿لاَ يُقْضَى عَلَيْهِمْ فَيَمُوتُوا وَلاَ يُخَفَّفُ عَنْهُمْ مِنْ

عَذَابِهَا﴾ [فاطر:٣٦]

(هرگز فرمان مرگ ایشان صادر نمی شود تا بمیرد - و راحت شوند- و هرگز عذاب دوزخ برای آنها تخفیف داده نمی شود -تا مدتی بپاسایند-).

خدایا ما طالب رضا و خشنودی تو و ورود به بهشت و سخن و عملی هستیم که ما را به تو نزدیك کند.

و از خشم و غضب و دوزخ ات و سخن و عملی که ما را به آن نزدیك کند به تو پناه می بریم.

ایمان به قضا و قدر (سرنوشت)

الف . ایمان به سرنوشت:

یعنی اعتقاد راسخ به این که هر خیر و شری بر اساس قضا و قدر خدا تحقق می یابد. و هر چه را که بخواهد انجام می دهد و هیچ کاری بدون اراده و مشیت خدا انجام نمی گیرد. و هیچ چیزی هم در دنیا خارج از تقدیر خدا نیست. و برای هیچ کس راه گریزی از سونوشت وجود ندارد. و بیش از آنچه در تقدیر نوشته شده است چیزی اتفاق نخواهد افتاد. همچنین باید اعتقاد داشت که خداوند خالق و آفریننده افعال نیك و بد بندگان می باشد. و به آنها امر و نهی کرده است. چرا که آنها در اعمال و کردار شان مختار اند و مجبور نیستند. و آنچه را که انجام می دهند به میل خودشان است. البته خدا هر کس را بخواهد با رحمت خود، هدایت می کند و هر کس را بخواهد با حکمت خود، گمراه می سازد.

خداوند به خاطر هیچ کاری بازخواست نمی شود، اما بندگان بخاطر کارهای خود بازخواست می شوند.

باید دانست که اعتقاد به قضا و قدر یکی از ارکان ایمان است. چنانکه رسول خدا ﷺ در پاسخ به جبرئیل فرمود: «أَنْ تُؤْمِنَ بِاللهِ وَمَلاَئِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَتُؤْمِنَ بِالْقَدَرِخَيْرِهِ وَشَرِّهِ». مسلم.

ترجمه: ایمان یعنی: این که به خدا، فرشتگان، کتاب ها، فرستادگان خدا، روز قیامت و به خیر و شر سونوشت، باور داشته باشی.

همچنین رسول الله ﷺفرمودند: ((لَوْ أَنَّ اللهَ عَذَّبَ أَهْلَ سَمَاوَاتِهِ وَ أَهْلَ

أَرْضِهِ لَعَذَّبَهُمْ غَيْرَ ظَالِمٍ لَهُمْ، وَلَوْ رَحِمَهُمْ كَانَتْ رَحْمَتُهُ لَهُمْ خَيْراً مِنْ أَعْمَالِهِمْ، وَلَوْ كَانَ لَكَ مِثْلُ جَبَلِ أُحُدٍ ذَهَبًا أَنْفَقْتَهُ فِيْ سَبِيْلِ اللهِ مَا قَبِلَهُ مِنْكَ حَتَّى تُؤْمِنَ بِالْقَدَرِ، وَتَعْلَمَ أَنَّ مَا أَصَابَكَ لَمْ يَكُنْ لِيُخْطِئَكَ، وَأَنَّ مَا أَخْطَأَكَ لَمْ يَكُنْ لِيُصِيْبَكَ، وَأَنَّكَ إِنْ مُتَّ عَلى غَيْرِ هَذَا دَخَلْتَ النَّارَ». رواه أحمد .

ترجمه: اگر خداوند اهل آسمان و زمین را عذاب دهد، به آنها ظلم نکرده است و اگر آنها را مشمول رحمت خویش قرار دهد. رحمتش برای آنها از اعمال خودشان بهتر خواهد بود. و اگر به اندازه کوه احد طلا داشته باشی و آنها را در راه خدا انفاق بکنی، تا به سرنوشت ایمان نیاوری، از تو پذیرفته نمی شود . بدان که آنچه به تو رسیده است باید می رسید و آنچه نرسیده است نباید می رسید و اگر بر غیر این عقیده بمیری، وارد دوزخ خواهی شد.

قَدَر یعنی: سرنوشت و تقدیری که خدا بوسیله علم و حکمت خود برای مخلوقاتش رقم زده است.

ب . مراتب ایمان به قدر (سرنوشت):

۱ . ایمان به این که خداوند نسبت به همه پدیده های جهان هستی علم اجمالی و تفصیلی دارد. و قبل از اینکه آنها را بیافریند از تعداد، روزی، عمر، سخنان، حرکات، اسرار، بهشتی یا دوزخی بودن آنها آگاهی داشته است. چنانکه خداوند می فرماید:

﴿هُوَ اللَّهُ الَّذِي لاَ إِلَهَ إِلاَّ هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ﴾ [حشر:۲۲]

(اوست خدایی که معبودِ بحقی جز او وجودندارد. و داننده نهان و آشکار است).

و هم چنین می فرماید: ﴿وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا﴾ [طلاق:۱۲]

(همانا علم خدا بر همه چیز احاطه دارد).

۲ . ایمان به اینکه خداوند همه موارد یاد شده را قبلاً در لوح محفوظ نوشته است. چنانکه می فرماید: ﴿مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الأَرْضِ وَلاَ فِي أَنْفُسِكُمْ إِلاَّ فِي كِتَابٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَهَا﴾

[حدید:۲۲]

ترجمه: (هیچ مصیبتی در زمین بوجود نمی آید یا به شما دست نمی دهد، مگر اینکه پیش از آفرینش زمین و خود شما، ثبت بوده است).

و رسول خدا ﷺ نیز در این مورد می فرماید: ((كَتَبَ اللهُ مَقَادِيْرَ الْخَلاَئِقِ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضَ بِخَمْسِيْنَ أَلْفَ سَنَة)). (مسلم)

ترجمه: خداوند،پنجاه هزار سال قبلَ از آفرینش آسمان ًها و زمین، سرنوشت مخلوقاتش را نوشته است.

۳ . ایمان به مشیت و قدرت خدا: بدین معنی که هر رویدادی به اراده و قدرت او واقع می شود و خواست و قدرت هیچ کس یارای مقابله با او را ندارد. پس هر چه را که بخواهد، تحقق می یابد و هر چه را که نخواهد، بوقوع نمی پیوندد.

چنانکه می فرماید: ﴿وَمَا تَشَاءُونَ إِلاَّ أَنْ يَشَاءَ اللَّه﴾ [انسان:۳۰]

(شما نمی توانید بخواهید، مگر آنکه خدا بخواهد).

و هم چنین می فرماید: ﴿وَيَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ﴾ [ابراهیم:۲۷]

(و خداوند، هر چه بخواهد، انجام می دهد).

٤ . ایمان به این که خداوند متعال تنها خالق و آفریننده تمامی موجودات است و غیر از او، همه مخلوق اند. و او بر هر چیز تواناست، چنانکه خداوند می فرماید:

﴿اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ﴾

[رعد: ١٦].

(خداوند آفریننده همه چیز است).

و نیز می فرماید: ﴿وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَقَدَّرَهُ تَقْدِيراً﴾ [فرقان:۲]

(و همه چیز را آفریده است، آن گاه چنانکه می باید حد و قدر آنها را معین کرده است).

باید دانست که سرنوشت مخلوق، رازی است که فقط در دست خدا می باشد که نه پیامبری و نه فرشته مقربی و نه کس دیگر از آن اطلاع دارد.

و از آنجا که مومن، خدای خود را با صفات کمال توصیف می نماید، ایمان دارد که هر کار او خالی از حکمت نیست. اگر چه او به حکمت برخی از کارهای خدا پی نبرد اعتراضی ندارد و آنرا بحساب نادانی خود می گذارد.

ج . سوء استفاده از سونوشت:

همانطور که گفتیم ایمان به قضا و قدر هیچ منافاتی با اراده، توانائی و اختیار

انسان در انجام کارها ندارد. چنانکه واقعیت و شریعت، هر دو بر این دلالت می کند.

اما شریعت در مورد خواست بنده می فرماید: ﴿فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ إِلَى رَبِّهِ مَآبًا﴾

(پس هر کس بخواهد می تواند به سوی پروردگارش برگردد - راه رضای او را در پیش گیرد-).

و برای قدرت و توانایی اش می فرماید: ﴿لاَ يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلاَ وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَت﴾ [بقره:۲۸٦]

(خداوند، هیچ کس را جز (به اندازه) توانش مکلّف نمسازد. - هر کس- آنچه کار نیکی انجام دهد، به سود خود انجام داده و هر کس مرتکب گناهی شود، به زیان خود کرده است).

اما واقعیت: هر کسی می داند که دارای قدرت و اراده ای است که بوسیله آن، کارهائی انجام می دهد و یا ترک می نماید. و می داند که فلان کار را با اراده یا بی اراده انجام داده است. مثلا راه رفتن، با اراده انجام می گیرد. ولی لرزیدن، بدون اراده روی می دهد. البته اراده و مشیت بنده. بدون مشیت خدا تحقق نمی یابد. چنانکه خداوند می فرماید:﴿وَمَا تَشَاءُونَ إِلاَّ أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ﴾ [انسان:۳۰]

(و شما نمی توانید بخواهید، مگر آن که خدا بخواهد).

زیرا همه هستی از آن خداست و در مملکت او بدون علم اراده اش کاری انجام نخواهد گرفت.

پس ایمان به قدر و سرنوشت به بنده اجازه نمی دهد که اوامر یا نواهی خدا را به بهانه سرنوشت، ترک کند و این استدلال به چند دلیل باطل است:

۱. رسول خدا ﷺ فرمود: «مَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ إِلاَّ قَدْ كُتِبَ مَقْعَدُهُ مِنَ النَّارِ وَمَقْعَدُهُ مِنَ الْجَنَّةِ . فَقَالَ رَجُلٌ مِنَ الْقَوْمِ: أَلاَ نَتَّكِلُ يَا رَسُولَ اللهِ ؟ قَالَ: لاَ، اعْمَلُوا فَكُلٌّ مُيَسَّرٌ لِمَا خُلِقَ لَهُ». متفق علیه.

ترجمه: جایگاه یکایک شما در دوزخ یا بهشت نوشته شده است. مردی از میان آنها گفت: آیا توکل ننماییم و عمل را ترک نکنیم؟ فرمود: خیر. بلکه عمل نمائید چرا که هر کس بر انجام چیزی توفیق می یابد که برایش نوشته شده است.

پس رسول خدا ﷺ به انجام عمل، امر فرمود و از ترک آن به دلیل استناد به

سرنوشت، بازداشت.

۲ . خداوند متعال به بنده اش امر و نهی فرموده و او را بیش از توانائی اش مکلف نساخته است. چنانکه می فرماید: ﴿فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُم﴾ [تغابن: ١٦]

(پس تا – حدّی– که می توانید از خدا بترسید).

و اگر بنده در کارهایش مجبور باشد و از طرفی خداوند او را مکلف به انجام ندادن برخی امور بنماید، این تکلیف، طاقت فرسا و باطل است. بنابراین، اگر کسی از روی نادانی یا فراموشی و اجبار، گناهی انجام دهد، معذور شمرده می شود.

۳ . همانطورکه شرح آن گذشت قضا و قدر رازی پنهان نزد خدا است و کسی از آن سر در نمی آورد، مگر بعد از وقوع آن.

و استناد به چیزی که هنوز اتفاق نیفتاده کاری عبث و بیهوده است. بنابراین، به کسی که مرتکب گناهی می شود و می گوید: این عمل در سرنوشت من نوشته شده است، باید گفت: از کجا می دانستی که این عمل برایت نوشته شده بود؟! پس وقتی که نمی دانستی و از طرفی قدرت و اختیار داشتی و خیر و شر و در برابرت قرار داشت، اگر گناهی را انتخاب کردی و آنرا بر طاعت ترجیح دادی، خودت مقصر می باشی و باید کیفر آن گناه را تحمل کنی.

٤– اگر بر کسی که به استناد قضا و قدر، واجبات شرعی را ترک می کند و مرتکب گناه می شود، شخص دیگری ستم روا بدارد و مال او را بستاند و به او هتك حرمت کند، آنگاه بگوید: مرا سرزنش مکن. زیرا ستمی که به تو کرده ام به اقتضای سرنوشت بوده است. یقیناً از او نخواهد پذیرفت. پس چگونه ظالم و ستمی را که به استناد قضا و قدر بر او رفته است نمی پذیرد. اما خود به استناد قضا و قدر در حق خدا ستم روا می دارد.

د . آثار ایمان به سرنوشت:

ایمان به سرنوشت علاوه بر اینکه جزئی از عقیده است که ایمان به آن واجب می باشد و رکنی از ارکان ایمان است که منکر آن کافر می شود، در زندگی انسان آثار مثبت فراوان دارد. از جمله:

۱ . سرنوشت، بزرگترین انگیزه ای است که فرد را در دنیا وادار به عمل و سعی و تلاش در ام جلب خشنودی خدا می نماید. همچنین بزرگترین مشوق مومن در انجام کارهای بزرگ می باشد و باعث استقامت و پایداریش می گردد.

گفتنی است که مؤمنان موظف اند تا در کارها از ابزار و اسباب، استفاده کنند ولی توکلشان به خدا باشد و ایمان داشته باشند که اسباب نتیجه بخش نخواهد بود،

مگر اینکه خدا بخواهد چرا که هم اسباب و هم نتایج آنها را خدا آفریده است.

چنانکه رسول خدا ﷺ می فرماید: ((الْمُؤْمِنُ الْقَوِیُّ خَیْرٌ وَأَحَبُّ إِلَی اللهِ مِنَ الْمُؤْمِنِ الضَّعِیْفِ، وَفِی کُلٍّ خَیْرٌ، احْرِصْ عَلَی مَا یَنْفَعُکَ، وَاسْتَعِنْ بِاللهِ وَلاَ تَعْجَزَنْ، وَإِنْ أَصَابَکَ شَیْءٌ فَلا تَقُلْ لَوْ أَنِّی فَعَلْتُ لَکَانَ کَذَا وَکَذَا، وَ لَکِنْ قُلْ قَدَّرَ اللهُ وَمَا شَاءَ فَعَلَ، فَإِنَّ لَوْ تَفْتَحُ عَمَلَ الشَّیْطَانَ)). رواه مسلم.

مؤمن قوی از مؤمن ضعیف بهتر و نزد خدا محبوب تر است و هر دو دارای خیر می باشند. و افزود به چیزی که به تو نفع می رساند حریص باش، و از خدا نیز کمك بخواه و عاجز مباش و اگر مصیبتی به تو رسید نگو اگر چنین نمی کردم، چنان نمی شد. بلکه بگو سرنوشت چنین بود و خدا نیز چنین می خواست. زیرا که کلمه اگر دهان شیطان را باز می کند.

بنابراین وقتی مسلمانان خواستند توسط جهاد در دنیا تغییراتی بوجود بیاورند، اسباب و ابزار لازم برای جهاد را فراهم کردند و توکل بر خدا نمودند و گفتند: تقدیر خدا چنین است که مسلمانان پیروز شوند و کافران شکست بخورند و نیز به این گفته اکتفا نکردند و از جهاد و آمادگی برای آن و حضور در میادین نبرد دست نکشیدند. بلکه با توکل به خدا از اسباب، استفاده کردند و خداوند نیز آنها را پیروز گردانید و بوسیله آنها اسلام را سر بلند کرد.

۲ . از ایمان به سرنوشت است که انسان به قدر و منزلت خود پی می برد و تکبر و غرور و خود خواهی را کنار می گذارد. چون از سرنوشت و آینده خود آگاهی ندارد. در نتیجه، خود را عاجز و ناتوان دانسته و همیشه خود را نیازمند خداوند متعال می داند.

۳ . طبیعت انسان چنین است که اگر خیری به او برسد مغرور و متکبر می شود و اگر مصیبتی به او روی آورد ناله و زاری سر می دهد. مگر کسی که ایمان به سرنوشت داشته باشد و بداند که هر چه بر او می گذرد در تقدیرش نوشته شده است.

بنابراین، یکی از گذشتگان نیك می گوید: هر کس به سرنوشت، ایمان نداشته باشد، زندگی اش نا مبارك خواهد بود.

٤ . ایمان به سرنوشت باعث از بین رفتن بسیاری از بیماری های اجتماعی مانند حسد می شود. چون مومن می داند که این برتری ها از سوی خداوند متعال می باشد. و او آنها را مقدر نموده است، بر دیگران حسد نمی ورزد. زیرا این کار در واقع اعتراض به سرنوشت است.

۵ . ایمان به قضا و قدر، انسان را در برابر مشکلات، شجاع و اراده اش را قوی می کند و در میدان جهاد او را ثابت قدم می سازد. چون از مرگ نمی ترسد و یقین دارد که برایش اجلی تعیین شده که نه یك لحظه زود و نه یك لحظه دیر فرا می رسد.

همین عقیدة مسلمانان صدر اسلام بود که آنها را در جنگ و جهاد ثابت قدم نگه می داشت و بدون توجه به تعداد و توان نظامی دشمن، شگفتیها می آفریدند. چرا که یقین داشتند هیچ مصیبتی به انسان نمی رسد، مگر آنچه برایش نوشته شده باشد.

٦ . همچنین ایمان به قضا و قدر، در وجود مؤمن انواع حقایق ایمانی را می کارد. پس او همیشه از خدا یاری می طلبد. با استفاده از اسباب به خدا اعتماد و توکل می کند، و هم چنین همیشه خود را نیازمند خدا می داند و برای استقامت در راه حق، از او کمك و یاری می طلبد.

همچنین نیکی و سخاوت به دیگران را دوست دارد، و با آنها مهربانی می کند و نیازهای شان را برطرف می سازد .

۷ . یکی دیگر از فواید ایمان به قضا و قدر این است که داعی الی الله در مقابل کافران و ستمگران، آشکارا دعوت خود را اعلام می دارد. و از ملامت هیچ ملامت کننده ای باکی ندارد. و حقیقت ایمان و واجبات آن را برای مردم شرح می دهد. همچنان که حقیقت کفر و نفاق را بیان می کند و مردم را از آن بر حذر می دارد. و در برا ستمگران، سخن حق می گوید و بر خدا توکل می نماید. و از این رهگذر هنگام برخورد با مشکلات و موانع، شکیبائی می کند. چون یقین دارد که عمر و روزی انسان در دست خدا است نه کسی دیگر، هر چند که آن شخص، قوی باشد.

فهرست مطالب

☑ سؤال و جواب در توحید خردسالان (۱)

☑ سؤال و جواب در توحید خردسالان (۲)

☑ اصل و قاعده اول: شناخت خد.

☑ اصل و قاعده دوم: شناخت دین

☑ اصل و قاعده سوم: شناخت پیامبر ﷺ

☑ اصول عقیده ما سه چیز است

☑ اصل و قاعده اول: شناخت خداوند سبحان

☑ اصل و قاعده دوم: شناخت دین اسلام

☑ اصل و قاعده اول: شناخت پیامبر ما ؛محمدﷺ ؛

☑ انواع توحید

☑ صفت ستمکاران

☑ آنچه با توحید منافات دارد

☑ ایمان به آخرت

☑ مقدمه ای پیرامون عقیده اسلامی و اهمیت آن

☑ اهمیت عقیده اسلامی

☑ ایمان به خداوند عزوجل

☑ ایمان به فرشتگان

☑ ایمان به کتاب های آسمانی

☑ ایمان به پیامبران

☑ ایمان به روز قیامت

☑ ایمان به قضا و قدر (سرنوشت)